مبارزه با حربه های شیاطین

از شیطان رانده شده بخدا پناه می برم

به نام خدا بخشنده مهربان

۱) گمراهی

توهمات ، داستانهای تخیلی ، اشعار، فیلمهای سینمایی ، سریالهای تلویزیونی و مشروبات الکلی و مواد مخدر و بازیهای کامپیوتری مردم را وارد کانال و فضای دیگری می کند. یک سریال تلویزیونی که هر روزه فرد به تماشای آن می نشیند، می تواند فرد را با خود همراه کند و قلب و احساسات فرد را تحت تاثیر قرار دهد. کسی که یک فیلم را هر روزه نگاه می کند ، به معنای آن

است که فرد ازآن فیلم لذت می برد. کسی نمی تواند از یک توهم لذت ببرد، مگر اینکه آن توهم را به خود بقبولاند و باور کند. زمانی که یک فرد در اشعار یک شاعر غرق میشود و ازآن لذت می برد، به معنای آن است که فرد اشعار را قبول دارد و در این حالت فرد وارد فضای دیگری از ذهن میشود که غیر از فضای واقعی است. در اصطلاح علمی به این فضا که حالت دیگری از آگاهی است، **فضای آلفا** می گویند. هر انسانی بسته به فرکانسهای مغزی خود، از نظر

روانی حالات مختلفی در او ظاهر می-شود. در حالت بیداری امواج مغز در حالت بتا قرار می گیرد. اما در حالاتی که فرد در لذات و احساسات دنیوی و توهم مثل خواندن اشعار ، نگاه کردن به فیلم و بازیهای کامپیوتری غرق میشود، در این حالت امواج مغزی فرد در حالت آلفا قرار می گیرد. اما در حالات تفکر وتدبر و حل مسائل منطقی و ریاضی امواج در حالت بتا قرار دارند. پس می توان امواج مغزی را به چهار دسته کلی تقسیم نمود.

بتا: حالت بیداری (فرکانس مغز بین ۱۴ هرتز تا ۳۰ هرتز)

آلفا: حالت احساسات و خلسه و توهم (فرکانس مغز بین ۸ هرتز تا ۱۴ هرتز)

تتا: حالت تله پاتی (فرکانس مغز بین ۴ هرتز تا ۸ هرتز)

دلتا: حالت خواب (فرکانس مغز بین ۰,۵ هرتز تا ۴ هرتز)

در آلفا فرکانس مغز بین ۸ تا ۱۴ قرار می گیرد. و بعبارتی مغز انسان نسبت

به حالت معمولی سردتر میشود و قسمت تفکر فعالیتش کم میشود.

---

۲) تسلط شیطان بر انسانها در آلفا صورت می گیرد

با توجه به دو آیه،

سوره شعراء آیه ۲۲۴:

وَالشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوونَ

[۲۶:۲۲۴] و اما شاعران، فقط گمراهان از آنها پیروی می کنند.

سوره حجر آیه ۴۲:

ان عِبادی لَیسَ لَکَ عَلَیهِم سُلطانٌ إلّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الغاوینَ

[۱۵:۴۲] "تو بر بندگان من هیچ قدرتی نداری. قدرت تو محدود به گمراهانی است که از تو پیروی می کنند.

می‌توان نتیجه گرفت شعر مهمترین حربه شیطان جهت اغوا نمودن انسانهاست. شعر در عربی فقط به معنای دوبیتی و غزل نیست، بلکه به معنای هر چیزی است که آدمی را به

حالت احساسات و توهم ببرد. بنابراین انسانهای در حالت آلفا (الغاوین) مستقیما در تیررس شیاطین هستند. پس براحتی میتوان نتیجه گرفت که شیطان در حالت آلفا افراد را در اختیار خویش می گیرد و دستورات خود را به آنان دیکته می کند. دانستن این نکته جهت مبارزه با حربه های شیطان بسیار مهم است. بسته به شدت فضای آلفا، فرد منطق و استدلال و تدبر خویش را از دست میدهد و از دنیای واقعی دورتر میشود ؛ مثلا کسی که میداند دزدی و

غیبت و تهمت بد است، این صفات رذیله در فضای آلفا براحتی قابل توجیه هستند. در فضای آلفا قوانین هوای نفس حاکم است، زیرا محل جولان شیاطین است. در واقع به طور ساده و واضح می‌توان نتیجه گرفت که :

شیطان بر بندگان خدا مسلط نیست ؛ مگر اینکه بوسیله شعر و توهم و احساسات در کانال آلفا قرار گرفته باشند.

شیطان ابتدا قربانیان را وارد آلفا می کند، بعد کنترلشان می کند. یعنی ابتدا

وسوسه برای ورود به آلفا، بعد در آلفا **کنترل** صورت می پذیرد.

وسوسه برای ورود به آلفا

↓

کنترل کردن فرد در آلفا

---

۳) حرکات موزون ، نوحه ها و موزیکهای ریتمیک

موزیکهای ریتمیک که تدبر و تفکری در آن نیست، آدمی را ناخودآگاه وارد

آلفا می کند و نهایتا در آلفا اجنه میتوانند انسانها را کنترل کنند. مثل دراویش و روضه خوانها که طی حرکات موزون و یا کلماتی موزون و یا آهنگهای موزون، خود را در اختیار اجنه قرار می دهند و اجنه هم نمایشات سیخ در گونه فرو بردن و راه رفتن روی ذغال داغ و ... را بر روی آنها اجرا می کنند. این کارها را اجنه روی انسانها انجام می دهند. اما چرا اجنه در این مورد با انسانها هماهنگ عمل می کنند و آنها را کمک می کنند؟ برای اینکه

انسانها را بیشتر کنترل کنند و آنان را در اختیار خود داشته باشند و البته اجنه از این کار لذت می برند. اما از این طرف دراویش و مداحان فکر می کنند که آن کارها را با قدرت خویش انجام می دهند و همین مساله باعث افزایش غرور و منیت افراد میشود. غرور و منیت همان صفت شیطان است که بخاطر آن از بهشت رانده شد. شیطان به طرق مختلف سعی دارد که همه را به صفات رذیله خود آلوده کند.

آیه ۶ سوره جن: وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

[۷۲:۶] 'انسان ها از طریق جن ها قدرت می جستند، ولی آنها اینان را به مصیبت بیشتری دچار کردند.

---

۴) یک اصل مهم جهت مبارزه با شیطان

عدم تفکر در احساسات، آدم را وارد آلفا می کند. شیطان بر بندگان خدا مسلط نیست ؛ مگر اینکه بوسیله توهم و احساسات در کانال آلفا قرار گرفته باشند. دانشمندان عنکبوتی را تحت آزمایش قرار دادند و اورا در معرض مخدرهای مختلف گذاشتند، همانطور که در شکل زیر مشاهده می کنید، در این حالت عنکبوت تار تنیدن را اشتباهی و ناقص انجام می دهد.



مواد مخدر ذهن عنکبوت را دچار اختلال کرده، به همین دلیل غریزه

خدادادی خود را از دست می دهد و حتی طریقه تار تنیدن را از یاد می برد. تصورکنید که مواد مخدر و توهم و احساسات بدون تفکر چه بلاهایی سرمغز انسانها می آورد! غرق شدن در احساسات و توهم چنین بلایی سر مغز انسان می آورد ، بطوریکه مغز انسان وظیفه اصلی خویش را ناقص انجام می دهد. وظیفه ای که خدا بطور غریزی و طبیعی در نهاد موجودات نهاده، با ورود به آلفا، منحرف میشود. سایر جانوران و موجودات بجز انسان و جن از رفتن به

آلفا دوری می کنند، مگر اینکه انسان به زور وادارشان کند. زیرا آنها طبق غریزه خدادادی خویش عمل می کنند. غریزه خدادادی هرکس را خدا دقیق آفریده است و برای لذت بردن از زندگی نیازی به آلفا رفتن نیست.

از لحاظ سلامتی ، به آلفا رفته ها زود دچار انواع مرض و عفونت میشوند. بدن انسان طوری آفریده شده است که در مقابل خطرات و ویروسها وظایف خویش را بدرستی انجام می دهد. مثلا اگر ویروسی به بدن ما حمله کند، مغز

ما احساس خطر واقعی کرده و دستورات لازم را به اعضاء بدن جهت مقابله با آن می دهد. اما وقتی که فرد به آلفا می رود، مغز انسان وظایف واقعی خویش را ناقص انجام می دهد و در نتیجه بدن ما ایمنی خویش را از دست می دهد و دچار بیماری میشود. این است که شفای واقعی در اجرای دستورات خداست.

کسانی که به کانال احساسات و توهم یعنی آلفا عادت می کنند، به مرور از عقلانیت و خرد خدادادی خویش فاصله

می گیرند و دیگر آموزه های خویش را به کار نمی برند. اگر انسان به مرحله ای از توهم و احساسات رسیده باشد که خرد خدادادی خویش را بکار نگیرد، بسیار خطرناک است. در این حالت است که این فرد برخلاف عقل و خرد خویش عمل می کند و ممکن است دچار قتل و صفات رذیله دیگر هم بشود. دلیل گرایش به آلفا نوعی ناامیدی است. کسانی که از خدا ناامید می شوند، خودبه خود جذب فضاهای غیر خدایی

می شوند و به این ترتیب خود را دو دستی تقدیم شیطان می کنند.

سوره شعراء آیه ۲۲۴: وَالشُّعَراءُ یَتَّبِعُهُمُ الغاوونَ

سوره حجر آیه ۴۲: ان عِبادی لَیسَ لَکَ عَلَیهِم سُلطانٌ إِلّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الغاوینَ

براساس فرموده خدای متعال، شیطان فقط بر افراد غاوین کنترل دارد. افراد غاوین هم کسانی هستند که خود را در اختیار اشعار و توهمات از انواع مختلف قرار می دهند.

گاهی خطراتی در دنیای واقعی متوجه انسانهاست؛ اما از آنجا که فرد در محیط آلفاست، متوجه این خطرات نمیشود. و گاها این خطرات را به سخره می گیرد. تمام کسانی که در طول تاریخ پیام رسولان را رد نموده اند و آن را به سخره گرفته اند، در آلفا بسر می برده اند و در آن فضا سرخوش بوده اند. مثل قوم لوط:

سوره حجر آیه ۷۲:

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

[۱۵:۷۲] اما افسوس که آنها در خماری و توهم خود کور بودند.

---

۵) آلفای ناخواسته

انسانها در طول زندگی خویش در حالتهای مختلفی ناخواسته وارد آلفا میشوند؛ اولی چند دقیقه قبل از خواب و دیگری چند دقیقه بعد از بیداری و همچنین در لحظات مرگ. به همین خاطر خدا می فرماید که آغاز و پایان

روز خود را با نام و یاد خدا شروع و خاتمه دهید.

سوره انسان آیه ۲۵ :

وَاذكُرِ اسمَ رَبِّکَ بُکرَةً وَأَصيلًا

ترجمه: و خدا را در اول صبح و آخر شب یاد کن.

در لحظات آخر زندگی هم افراد در حالت آلفا قرار می گیرند . حتی در این حالت شیاطین سعی دارند که افراد در حال مرگ را منحرف کنند و در آخرین لحظه زندگی هم دست بردار نیستند.

سوره قاف آیه ۱۹ :

وَجاءَت سَکرَةُ المَوتِ بِالحَقِّ ذلِکَ ما کُنتَ مِنهُ تَحیدُ

ترجمه: سرانجام، سکرات اجتناب ناپذیر مرگ فرا می رسد؛ این همان است که سعی می کردی از آن بگریزی.

دلیل علمی این مطلب این است که چون در حالت بیداری انسان در بتا است و برای اینکه بخوابد باید فرکانس مغزی اش کاهش پیدا کند و به دلتا برود ولی برای رسیدن به دلتا باید از تتا و آلفا

بگذرد تا به فرکانس مغز دلتا برسد. و یا برعکس وقتی بیدار میشود باید از دلتا به بتا برسد برای همین باید از مسیر فرکانس تتا و آلفا بگذرد تا به بتا برسد.

کسانی که بیشتر وقت خویش را در آلفا هستند، در تعادل نخواهند بود. بمرور دچار کم خوابی و یا پرخوابی و انواع مشکلات دیگر خواهند شد.

---

۶)گناه عمل به یک توهم است

با انجام هر کار گناه, فرد بیشتر در آلفا فرو می رود و بیشتر در تیررس اجنه و شیاطین قرار می گیرد. نماز انسان را از حالت آلفا خارج و به دنیای واقعی می آورد و به همین خاطر است خدا می فرماید که نماز انسان را از فحشا و منکر دور میکند. فحشا و منکر در حالت آلفا درست بنظر میرسند و فرد منطق خویش را در مورد درست بودن و یا

نبودن اعمال فحشا و منکر از دست میدهد و فرد بدون توجه به تمام عواقب گناه، آن را انجام میدهد. اعمالی که در واقعیت فحشا و منکر هستند، برای کسانی که در آلفایند، فحشا و منکر نیست. اگر کسی بتواند همیشه در فکر خدا باشد و خدا را ذکر کند و در دنیای واقعی زندگی کند فریب شیطان را نمی-خورد. خصوصیات کسانی که در آلفایند، در قرآن مشخص شده است. تهمت، کینه، دروغ ، دزدی ، نگاه به نامحرم، فکر گناه، استعمال مشروبات

الکلی و مواد مخدر، غیبت و تمام صفات رذیله که خدا در قرآن نهی فرموده است.

شیاطین برای وادار نمودن انسانها به گناه و غرق نمودن آنان در گناه، سعی در بردن آنان به حالت آلفا دارند. زیرا اگر انسان در کانال آلفا قرار گیرد، به راحتی در اختیار شیاطین و اجنه قرار می گیرد و نکته مهم اینجاست که این تنها راه شیاطین جهت کنترل انسانهاست.

۷)چه چیزهایی انسان را به آلفا می برد؟

غرق شدن در توهمات، باور نمودن توهمات و ترسها، باور نمودن زیتنهای دنیایی، مصرف مسکرات و مخمرات و مواد مخدر و ... انسان را بطور مستقیم بحالت آلفا میبرد و در آن حالت فرد منطق و آموزه های اخلاقی و دینی خویش را بکار نمی برد و دچار انواع گناهان میشود.

اکثر کسانی که قتل و جنایات وحشتناک انجام میدهند، اقرار می کنند که در حین انجام جنایت و گناه، کنترل خویش را در دست نداشته اند و عواقب انجام گناه برایشان اصلا مهم نبوده است و آن را کار درستی می دانسته اند. در واقع منطق و گزاره های کانال آلفا با گزاره های دنیای واقعی متفاوت است. در کانال آلفا سوزاندن گربه! و خوراندن اسید به سگ! ، سوزاندن کبوتر!، زجر کش کردن روباه و سربریدن انسان و سوزاندن انسان ... گناه بحساب نمی

آید. در کانال آلفا فقط **هیجان** و هدف ناشی از این اعمال پلید مهم است. منطق کانال آلفا با واقعیت فرق زیادی دارد. به همین خاطر کسانی که در آلفا بسر می برند، باید بخود بیایند و بیدار شوند. به همین خاطر است که انسان طوری آفریده شده است که اگر در راه مستقیم خدا قرار نگیرد، براحتی منحرف می شود و هیچ تضمینی در خوشبختی دنیا و آخرت او وجود ندارد.

۸)هزینه فضای آلفا

بعضی افراد با مواد مخدر و مشروبات الکلی و اشعار و فیلمهای احساسی خود را وارد آلفا می کنند و البته ادعا دارند که مرتکب کار خلاف نخواهند شد! آنان می گویند که فقط برای دوری از غم و مشکلات این دنیا مصرف می کنند! این افراد مثل کسی هستند که وارد وسط میدان جنگ شده و خود را در معرض انواع اسلحه ها و تهدیدها قرار داده است. قطعا احتمال ضربه و انحراف

چنین افرادی بسیار زیاد است. این افراد بعد از مدتی به لذات احساسی کانال آلفا عادت می کنند و بیشتر افراد جهت برگرداندن خود به حالت آلفا، انواع گناهان اعم از دزدی و دروغ و رشوه و ... مرتکب میشوند. زیرا برگشتن به بعضی کانالهای آلفا برای بعضی از افراد هزینه بردار است. مثل اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی. فرد برای بدست آوردن این هزینه ، مجبور است که انواع روشهای شیطانی مثل دزدی و رشوه و ... را انتخاب کند.

حتی موارد زیادی از قتل برای یک ذره مواد مخدر پیش آمده است. معنای واقعی " **اعتیاد**" ، عادت کردن به کانال آلفاست. اجنه در کانال آلفا خوشیها و لذتهای ذهنیی به قربانیان القا می کنند و فرد به آن لذتها عادت می کند در نتیجه افراد را مجبور می کنند که دوباره به کانال آلفا برگردند. برگشتن به کانال آلفا و رساندن ذهن خویش به آن فضا، هزینه دارد و در شرایط خاصی ممکن است. به همین خاطر کانال آلفا هزینه بردار است.

خیلی از مواقع این افراد کار و زندگی را بی خیال شده و همه زندگی و اموال خویش و حتی کار خود را در این راه از دست می دهند. توجه کنید که ضرر ناشی از کانالهای آلفایی که فیلمها و آهنگهای احساسی بوجود می آورند، دست کمی نسبت به ضررات مواد مخدر ندارد. اما متاسفانه بیشتر مردم این موارد را توجه نمی کنند و کوچک میشمارند. بیشتر طلاقها و عدم سازشها در زندگی مشترک ناشی از عدم ادراک زن و شوهرها **نسبت به واقعیت** است.

زیرا فضاهای آلفا آنان را از واقعیت دور می کند و در نتیجه زندگیشان را نابود می کند. شیطان جهت نابودی انسانها قسم خورده است و از هیچ روشی چشم پوشی نمی کند.

---

۹)غرق شدن در لذات جنسی

غرق شدن در لذات جنسی براثر سریالهای تلویزیونی و ماهواره ای و تصاویر اینترنتی و فضای اینترنتی،

کانالی از آلفا برای افراد ایجاد می کند که بعد از مدتی به آن عادت می کنند و بعد از مدتی برای لذت بردن از زندگی مشترک، باید ابتدا خود را به آن کانال برگردانند تا بتوانند دوباره لذت ببرند. به همین خاطر بعد از مدتی با شریک زندگی خویش تضاد پیدا می کنند و کارشان به عدم تفاهم می کشد. تعداد و تعدد کانالهای آلفا به اندازه تعداد شیاطین است و هیچوقت دو فرد در فضای آلفا به اتحاد نمی رسند. لذات موجود در فضای آلفا بسیار محدود و بی

ارزش است (مثل پدر و مادرمان آدم و حوا که به پیشنهاد شیطان ، بخاطر میوه یک درخت تمام نعمتهای بهشت را از دست دادند). فرد با این کار خود را از آن همه نعمتهای خدادادی محروم میکند. افرادی که در کانال آلفا به سر می برند و غرق در آن میشوند؛ در همان لذت ممنوعه غرق میشوند و تمام زندگی خود را وقف آن میکنند. وقتی که یک فرد در لذات جنسی غرق شده است، در برخورد با محیط خویش ، چشم چران است و چشمانش در مقابل

حوادث دیگر **کور** است. تعداد فضای آلفا بسیار زیاد است و همین تعدد باعث شده است که افراد گناهکار و غرق در توهم هیچوقت یکدیگر را ، بجز در برخورد با اقلیتهای همچون خود، درک نمی کنند. اما افراد باایمان در فضای خدا قرار دارند و در راه مستقیم خدا قرار دارند و همدیگر را درک می کنند و در خواب و خیالات و توهمات به سر نمی برند. گاهی توهمات یک کشور و ملت را به نابودی می کشاند. هیتلر با ایجاد توهم و

حرفهای احساساتی آن همه را فریب داد و میلیونها را به کشتن داد. شیطان به حوا و آدم وسوسه کرد که درخت ممنوعه با ارزشتر از نعمتهای دیگر است و آن قدر وسوسه کرد تا که آنان را وارد کانال آلفا نمود و آنان در کانال آلفا مرتکب گناه بزرگ شدند و از بهشت بیرون رانده شدند. در بهشت آن همه نعمت بود، شیطان همه آن نعمتها را بخاطر یک توهم و دروغ از آنان گرفت. چه خسران بزرگی!

سوره عصر: قسم به عصر. به راستی انسان در خسران و زیان بسر می برد، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و به طرف حق و صبر نصیحت کنند.

ایمان، عمل صالح، حق ، صبر

---

۱۰) آیا لذت ممنوعه بهتر است؟

بعضی افراد ادعا دارند که لذت کارهای ممنوعه از لذتهای حلال بیشتر است. حتی بعضی از آنها به آدمهای پاک طعنه می زنند که از لذات زندگی بی بهره اند! هر فردی که چنین ادعایی داشته باشد، بدون شک هم اکنون در آلفا بسر می برد و البته ممکن است خودش نداند. زیرا فقط افراد داخل فضای آلفا چنین اعتقادی دارند. فقط یک فرد معتاد بر این باور است که لذت مواد مخدر از لذت غذا بیشتر است. فقط یک فرد

مشروبی بر این باور است که لذت نوشیدن مشروب الکلی از لذت نوشیدنیهای دیگر بیشتر است. کسی که معتقد است که لذت گناه بیشتر از حلال خداست، در کنترل اجنه ست و خودش خبر ندارد. هوای نفس دقیقا به این معناست. هوای نفس میتواند تحت کنترل شیاطین قرار گیرد و براحتی میتواند هر چیزی را بپسندد.

۱۱) بیماریها و تنشهای ناشی از فضاهای آلفا

فضای آلفا باعث تضاد درونی افراد میشود، تضاد درونی باعث بروز **بیماریهای** گوناگون میشود. فضای آلفا **هورمونهای زنانه و مردانه** افراد را تغییر می دهد و نظم آنها را بهم می ریزد. زیرا بدن ما فقط برای زندگی در دنیای واقعی آفریده شده است و با فضای

آلفا سازگار نیست و به همین خاطر افراد توهمی و گناهکار زود دچار مریضی میشوند. یک دانشمند اروپایی در قرن شانزده میلادی چندین ساعت پاندول دار را در یک اتاق روی یک دیوار کنار هم قرار داد و پاندول آن ساعتها را به طور ناهماهنگ با هم بکار انداخت. بعد از یک روز به تدریج پاندول آن دو ساعت با همدیگر هماهنگ شدند. در سال ۱۶۶۵ میلادی دانشمندان از مشاهده پدیده عجیبی خبر دادند؛ دو ساعتی که از یک دیوار

آویخته شده باشند، هر چند در ابتدا جهت مخالفی داشته باشند در نهایت هماهنگ می شوند. با توجه به این مثال که فیزیکی بود، میتوان متوجه شد که موسیقی و ریتمهای موسیقی و فیلمها بر روی بینندگان و شنوندگان خود تاثیر مستقیم دارند. کافی است که افراد در آن موسیقی ها و فیلمها غرق شوند تا وارد کانال آلفا شوند.

حتی زنانی که در محیطهای خانوادگی به غیبت و مسخره کردن افراد دیگر می پردازند (همگی در آلفای خاصی قرار

می گیرند)، بعد از مدتی سیکل قاعدگی آنان مثل هم میشود. اگر فرد غالب دچار ناهماهنگی سیکل قاعدگی باشد، بقیه هم دچار آن میشوند! زیرا هورمونهای زنانه آنان به علت غرق شدن در توهمات و گناه تغییر می کند. به همین خاطر بیماریهای غیرمسری برای زنانی که دور هم به گناهانی مثل غیبت و اتهام و ... می پردازند، خودبخود به دیگر زنان سرایت می کند. غرق شدن در موسیقی های ریتمیک باعث میشود که فرکانسهای مغز تغییر

یابد و فرد را در حالات آلفا قرار دهد. همانطور که گفته شد، در آلفا فرکانس مغز بین ۸ تا ۱۴ قرار می گیرد. و بعبارتی مغز انسان نسبت به حالت معمولی سردتر میشود و قسمت تفکر فعالیتش کم میشود. سردتر شدن مغز در حالتی که حواس پنجگانه کار می کند و فرد بیدار است، ممکن است که فرد را دچار بیماری کند. در این حالت فرد مجبور میشود که از غذاهای گرم استفاده کند تا که کمبود گرمای بدن خود را جبران کند. زیرا سایر اعضاء

بدن به نوعی از مغز دستور می گیرند و تحت فرمان اویند و با او هماهنگند.

یک سریال تلویزیونی که هر روز وقت می گذارید و آن را نگاه می کنید، در واقع دارید با آن سریال زندگی می کنید و ناخودآگاه در کانال افکار آن فیلم قرار می گیرید و بعد از مدتی منطق و استدلال خویش را در مورد وقایع خیانت و روابط غیراخلاقی از دست می دهید. در نتیجه ناخودآگاه فضای خانواده پر از تنش و جنگ اعصاب می شود. مطمئنا بدانید که شیطان هیچوقت

دوست آدمی نیست و دوست ندارد که آدمی حتی یک روز خوش داشته باشد. به همین خاطر هیچوقت خود را پاک ندانید و هیچوقت خود را از حقه های شیطان ایمن ندانید. به همین خاطر خدا در قرآن می فرماید که: ای بنی آدم شیطان دشمن شماست و شما هم دشمن او باشید.

---

۱۲) شیطان از همان مکانیزم طبیعت جهت فریب استفاده می کند.

شاید تعجب کنید که شیطان از همان مکانیزمی که خدا در طبیعت نهاده، جهت فریب و کنترل مردم استفاده می کند. موسیقی و حرکات ریتمیک و یا حتی مجالس و مراسم مذهبی مهمترین مکانیزم شیطان در کنترل افراد است. موزیک و صدا و همچنین امواج مغزی هردو براساس فرکانس هستند.

دانشمندان ثابت کرده اند که وقتی یک صدا با تن مثلا ۱۰۰ و صدایی دیگر با تن ۱۰۶ هرتز نواخته میشود. در این بین تنی دیگر هم با فرکانسی در این بین (بین ۱۰۰ و ۱۰۶) شنیده میشود. این تن صدا که شنیده میشود، اصلا نواخته نشده است. اما این یک مکانیزم فیزیکی و علمی است که خدا در مغز انسان گذاشته است. ولی اجنه از این خاصیت علمی جهت ایجاد رعب و وحشت و ترس و ابهام استفاده می کنند و در نتیجه فرد را با زیرکی به آلفا می

برند و در آلفا دستورات خود را به او دیکته می کنند. در آیه زیر منظور از صوت شیطان (بِصَوْتِکَ) همین حربه های ریتمیک است که شیاطین مردم را بوسیله آن به آلفا می برند.

آیه ۶۴ سوره اسراء:

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِکَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِکَ وَرَجِلِکَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

[۱۷:۶۴] "تو می توانی با صدای خود آنها را فریب دهی و با تمام نیروهای سواره و تمام نیروهای پیاده خود علیه آنها بسیج شوی و در اموال و فرزندانشان شریک باشی و به آنها وعده دهی. آنچه شیطان وعده می دهد، جز **خیالی واهی** نیست.

در بعضی قبایل آفریقا و هند از موسیقی راک (که اصالتا ابداع قبیله های بومی

آفریقاست) برای فراخوانی الهه هایشان استفاده می کنند. الهه این اقوام که همان شیاطین رانده شده از درگاه خدایند، فقط با موسیقی های خاصی قابل فراخوانی اند. البته این افراد با این کار خود را به آلفا می برند و خود را در کنترل شیاطین قرار می دهند. فراخوانده شدن الهه ها مساوی است با در کانال آلفا قرار گرفتن پیروان این اقوام.

ریتم موسیقی حتی میتواند ریتم بدن و ضربان تنفس و ضربان قلب را هم

تغییر دهد. در بابل قدیم، عبادتهایشان با موسیقی همراه بوده است. خوشحالی و گریه ، بیهوشی و جیغ زدن در این نوع موسیقی ها به علت تغییر فرکانسهای مغز است و فرد را به آلفا می برد. اقوامی در تبت ، در حین مراسم مذهبی، از طبل استفاده می کنند. آنان هر ثانیه ۸ ضربه می زنند (توجه کنید که فرکانس فضای آلفا از ۸ تا ۱۴ است). اکثر مذاهب منحرف از موسیقی و مراسم های خاصی استفاده می کنند تا که اجنه هایشان را صدا زنند و تحت

کنترل آنان قرار گیرند. دانشمندان طی آزمایشی یک فرکانس را از یک گوش و فرکانسی دیگر را از گوش دیگر نواختند. اما با کمال تعجب یک فرکانس در این بین شنیده میشد. دو نیم کره مغز انسان هر دو فرکانس را پردازش می کند. اما بعد از مدتی فرکانس دریافتی هردو نیمکره یکی میشود و در نتیجه فرد براحتی در آلفا قرار می گیرد. تمام مکانیزم شیاطین براساس مکانیزم طبیعت انجام میشود. فقط بی اطلاعی و عدم اطاعت از امر و نهی های

خدا باعث در دام افتادن افراد میشود. یکی از امور مهم و دستور مهم نماز بجا آوردن است؛ زیرا اصولا نماز ضد آلفاست. بجا آوردن نماز در پنج وقت، باعث میشود که فرد در طول شبانه روز از آلفا خارج شود و زینتهای آن فضا از سرش بپرد.

---

۱۳) امواج و دروغ های سیستماتیک

گاها بعضی افراد و دولتها جهت پیشبردن اهداف مذهبی و سیاسی خود، از طریق رسانه ها حرفها و دروغهایی منتشر میکنند و افکار عمومی یک جامعه را تحت تاثیر قرار میدهند؛ تا که شرایط را برای اهداف و عملیات خود فراهم کنند. آنها از این دروغها و امواج خبری برای ایجاد هیجان و بردن افراد به یک آلفای خاصی استفاده می کنند. آنها در این مورد اصرار دارند زیرا اعمال آنها فقط در این آلفای خاص و طبق منطق این آلفا قابل توجیه است.

امواج خبری میتواند افراد ساده را براحتی به آلفای خاصی ببرد.

---

۱۴) سحر و جادو

جادوگران در زمانهای قدیم ابتدا بوسیله اشعار و توهمات و القاء ترس و وعده و وعید به مشتریان خویش، آنان را وارد آلفای خود می کردند و در آن فضا فرد را برده خود می کردند. زیرا انسان فقط در حالت آلفا در تیررس مستقیم شیاطین قرار دارد. خدا خودش

می فرماید که شیطان بر افرادی تسلط دارد که الغاون باشند (یَتَّبِعُهُمُ الغاوونَ).

سوره شعراء آیه ۲۲۱ : هَل أُنَبِّئُكُم عَلى مَن تَنَزَّلُ الشَّيطينُ

ترجمه: آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسانی فرستاده می شوند؟

آیه ۲۲۲: تَنَزَّلُ عَلى كُلِّ أَفّاكٍ أَثيمٍ

ترجمه: آنها بر هر گناهکار دروغ پردازی نازل می شوند.

آیه ۲۲۳: يُلقونَ السَّمعَ وَأَكثَرُهُم كذِبونَ

ترجمه: آنها وانمود می کنند که گوش فرا می دهند، ولی بیشتر آنها دروغگو هستند.

آیه ۲۲۴: وَالشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوونَ

و اما شاعران (پیروان احساسات و توهمات و جادو و ...) ، فقط گمراهان از آنها پیروی می کنند.

سحر و جادو برکسانی تاثیرگذار است که در آلفا قرار گرفته باشند. مثل عملیاتی که دراویش و مداحان انجام می دهند. سحر و جادو به کمک ابهامات و کلمات بی معنی و احساسی انجام

میشود. داستانهای قدیمی و تاریخی احساسی، که عموما با دروغ و افراط و تفریط عجین شده اند ، مهمترین عامل در بردن افراد به آلفاست.

یک برگه سحروجادو:



اینها نمونه ای از اوراقی است که شیوخ و جادو گران و دعانویسها و رمالان استفاده می کنند. همانطور که می دانید،

این حروف و کلمات به نوعی دروازه ورود به آلفاست. این برگه ها نوعی بی نظمی گری (Chaos) در تفکر را به قربانی القا می کنند. اعتقاد به این کلمات و حروف و اشکال به نوعی تفکر را بهم میریزد. زیرا کاملا بی معنی و بی مفهوم است. فقط کسی میتواند اینها را قبول کند که تفکرش را سرکوب کند و فقط احساسی رفتار کند. یعنی فقط در آلفا میتوان به چنین برگه هایی معتقد بود و آن را موثر دانست. مهمترین نکته این است که تفکر و تعقل باید

کنار زده شود تا بتوان توهمات را بجای واقعیات قبول کرد.

گاهی سحر و جادو آمیخته به مسائل مذهبی است و چه چیزی بهتر از این برای کنترل افراد! از همان خود مذهب استفاده کردن برای بردن افراد به آلفا.

هر چیزی که با احساس بدون تفکر همراه باشد، به نوعی برای جادو کردن بکار میرود. حتی اگر آیه های قرآن باشد. اینها به نوعی همان جادویند فقط در یک لباس مذهبی. حتی علمای مذهبی از فرق مختلف مسلمان هم در

چنین دامی افتاده اند و همان اعمال جادوگران را به اسم (ابطال سحر و جادو) انجام می دهند. مثلا آیه های قرآن را روی کاغذی نوشته و به فرد قربانی می دهند که او را مثل گردن بند دور گردنش بیندازد تا از شر شیطان حفظش کند! این همان سحر و جادوست، اما در قالب مذهب رایج!.

تکرار کلمات نامفهوم و بی معنی آدمیان را به راحتی تحت کنترل شیاطین قرار می دهد. گاهی جملات به ظاهر دلنشین و احساسی نوعی جادوست. گاهی در

برگه های سحر و جادو در کنار کلمات مذهبی، کلمات بی معنی قرار می گیرد، این کلمات بی معنی نکته انحرافیند تا تفکر را از فرد بگیرند و براحتی با احساسات او بازی کنند و تفکر او را سرکوب کنند و او را مستقیم به آلفا برند.

بعضی اوقات با استفاده از موسیقی و صداهای دلنشین مراسم های مذهبی و سرودهای مذهبی خوانده می شود و با استفاده از تحریک احساسات، فرد را به سمت پذیرش مفاهیم و اعتقادات

نادرست پیش می برند. در این سرودها خیلی از اعتقادات نادرست وجود دارد.

---

۱۵) احضار ارواح

در جلسات احضار ارواح، از آنجا که افراد وارد آلفا میشوند، تحت کنترل اجنه قرار می گیرند و در نتیجه، تکان داده شدن میز و یا تبادل رمزها، در همان آلفا انجام می پذیرد و کاملا تحت کنترل اجنه ست. در واقع احضار ارواحی درکار نیست و فقط **احضار اجنه** است.

به این طریق اجنه و انسانها همدیگر را سرکار می گذارند تا وقتشان تمام شود. هیچ روحی احضار شدنی نیست و انسانها در این مورد فریب اجنه را میخورند و سرکار گذاشته شده اند ولی خود خبر ندارند. در دوران قدیم که در خانه ها برق و روشنایی آنچنانی نبود و شبها مردم در مورد مردگان صحبت می کردند و ترس در وجود آنان نمایان میشد، به نوعی احضار اجنه ناخواسته بود. آنان با این ترس وارد آلفا شده و صحنه های عجیبی می دیدند که ناشی

از فضای آلفا بود. ترس مهمترین عامل در ورود افراد به آلفاست.

ارتباط با اجنه نه تنها مفید نیست بلکه بسیار مضر است. از آنجا که آنان بر انسان مسلط میشوند، انسانهای مرتبط بعد از مدتی دیوانه میشوند و یا دچار افکار عجیب و غریب و مالیخولیایی میشوند. بیشتر این احضار ارواحها ناشی از دستورات چرندی است که از گذشتگان و از زمان اجنه در دوره پیامبر سلیمان باقی مانده است. سلیمان هیچوقت جادو نمی کرد. کارهایی که

سلیمان می کرد از جانب خدا بود و جادو نبود.

مثلا به سحر چرند زیر که در زمان پیامبر سلیمان رواج داشت توجه کنید:

برای اینکه خودرا نامرئی سازید

یك گربه سیاه را میگیرید بایك ظرف سفالی تازه آب ندیده یك آئینه یك قطعهسنك عقیق کمی زغال، و قدری قو ،و هنگام شب مقداری آب رودخانه باآن کوزه تهیه می کنید ،

بعدآتشی روشن کرده گربه را در داخل ظرف قرار میدهید و سرپوش آنرا بدست می گیرید وبی حرکت میمانید،

پس‌ازاینکه بیست وچهارساعت جوشید آنرا در بشقاب تازه‌ای قرارداده گوشت آنرا دور میریزند بعد استخوان های آنرا یك بیك زیردندان میگذارید ودرآئینه نگاه می کنید وآنقدر مقابل آئینه می مانید تا اینکه بکلی‌هیکل وصورت شما ناپدید شود.

آنچه راکه برای شماگفتیم ازیاد داشتها وطلسم های حضرت. سلیمان‌استخراج شده ویقین بدانیداگرآنچه راکه تذکردادیم مورد عمل‌قراردهیددرتمام اقدامات‌حود موفق‌خواهید شد .

البته پیامبر سلیمان هیچوقت چنین کارهایی انجام نمی داد و این دستورات چرند توسط اجنه و جادوگران انجام میشد. در تمام این دستورات ابهامات و ترس و تعجب و وهم دخالت دارند. خود دستور مهم نیستند، بلکه ترس و توهم ناشی از دستور اصل موضوع است که شیطان با همین موضوع افراد را کنترل می کند. مثلا در سحر بالا، حتی به یک گربه هم رحم نمی کنند و با بی رحمی گربه را می کشند.

هر کسی که احضار ارواح و جلسات مشابه را بیشتر باور کند، بیشتر تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. وضعیت به آلفا رفته ها دقیقا مثل همین است، اما با ظاهری آرام تر. بیشتر گناهان در حالت آلفا انجام میشود و ما خود نمی دانیم ولی در حین انجام گناهان، در کنترل شیاطین قرار می گیریم. در تمام این دستورات ابهامات و ترس و تعجب و وهم دخالت دارند. خود دستور مهم نیستند، بلکه ترس و توهم ناشی از دستور، اصل موضوع است که شیطان با

همین موضوع افراد را در کنترل خود می گیرد. مثلا ترس از تاریکی باعث میشود که افرادی که ترس را باور می کنند، صحنه هایی در تاریکی مشاهده کنند که ناشی از توهم و آلفاست و توسط اجنه به آنها نمایش داده میشود. هر چه بیشتر بترسی، بیشتر تحت کنترل قرار می گیری. زیرا در تاریکی **ابهام** حاکم است. در حالی که در همان مکان در روز روشن چنین چیزی مطرح نیست.

[۱۱۳:۳] ومن شر غاسق اذا وقب

[۱۱۳:۳] از شر تاریکی چون فرو افتد.

این مورد ثابت می کند که ابهام و ترس و توهم باعث چنین مشاهداتی است و فقط در چنین حالتی اجنه میتوانند انسانها را به آلفا ببرند و در آلفا نمایش خود را برگزار کنند.

ابهامات و تشابهات نقطه ضعف انسان است و شیطان از این مورد جهت تفرقه مردم استفاده می کند. هرجا در قرآن جملات متشابهی آمده که مردم در زمان

خویش قادر به درکش نبوده اند؛ شیطان از همین نقطه چندین فرقه مذهبی ایجاد کرده است.

آل عمران آیه ۷:

هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۖ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِیلِهِ ۗ وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

ترجمه: [۳:۷] او این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرد، شامل آیات صریح و واضح- که اساس و ماهیت کتاب آسمانی را تشکیل می دهند- و نیز آیاتی که چندین معنی دارند و یا تمثیلی بیان شده اند. کسانی که شک به دل راه می دهند، در پی آیاتی هستند که چند معنی دارند تا ابهام ایجاد کنند و معنی خاصی برداشت نمایند. هیچ کس معنی حقیقی آنها را نمی داند، جز خدا و کسانی که عمیقا شناخت دارند. ایشان

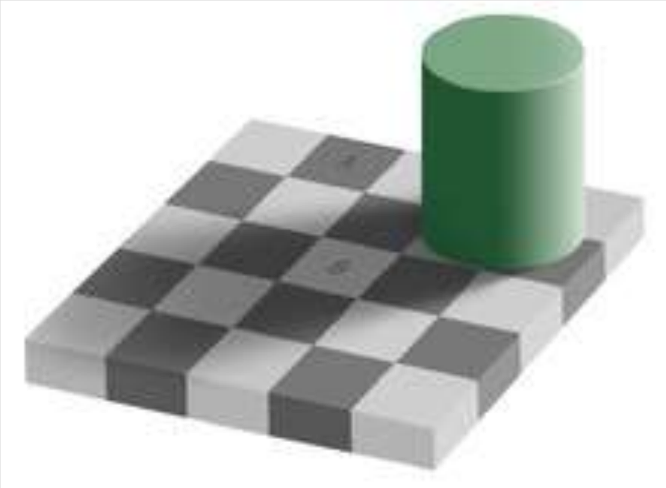
می گویند: "ما به این ایمان داریم- همه آن از جانب پروردگار ما است." **فقط** خردمندان توجه خواهند کرد.

---

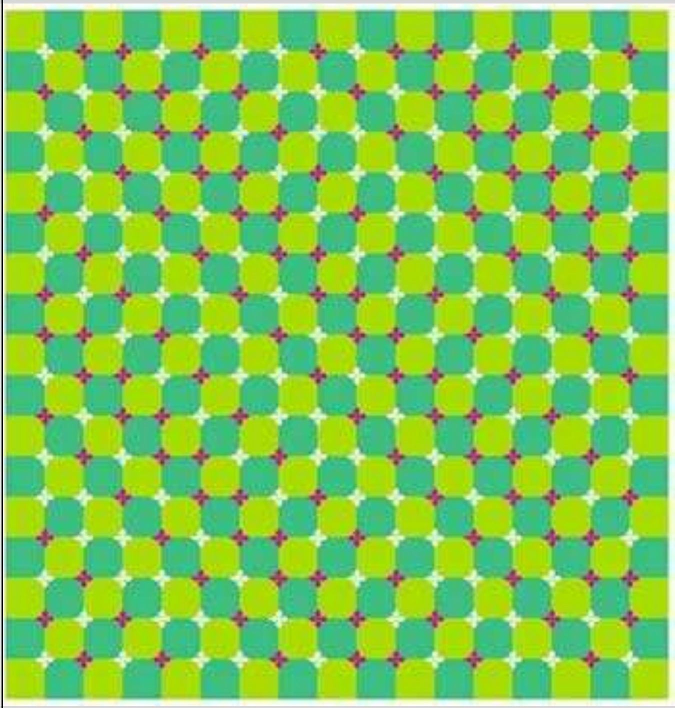
۱۶) حواس پنجگانه

انسانها حتی در مورد حواس پنج گانه فریب میخورند و براحتی دچار خطای دید میشوند. طبیعی است که شیاطین و اجنه (که در فریب دادن استادند) براحتی بتوانند انسانها را دچار توهم و

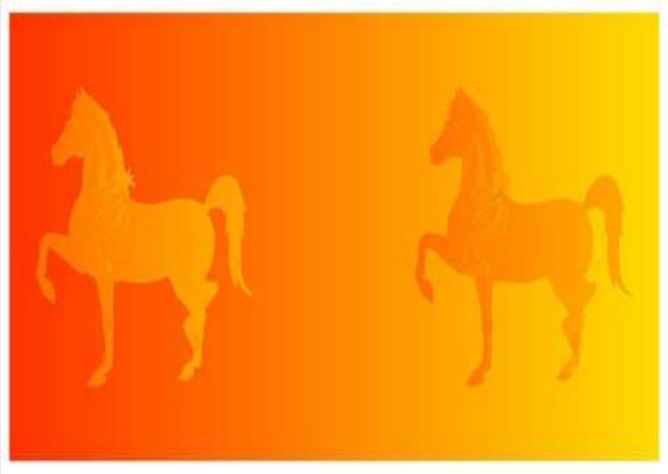
خطا کنند . بطور مثال در شکل زیر مربع A , B تیرگی یکسانی دارند!



عکس زیر متحرک نیست، اما چشمان ما آن را متحرک می بیند(حتی بعد از اطلاع از این مورد)!



باورتان میشود این دو تا اسب هم رنگ هستند!



حواس مادی و حتی مغز انسان براحتی فریب میخورند. شیاطین از امثال همین نقطه ضعفها استفاده کرده و ما را فریب می دهند و نمایشات خود را به ما می قبولانند. در حین مستی و توهمات و

احساسات از این نوع خطاها به سادگی پیش می آید.

این نوع خطاها بوسیله اجنه ایجاد میشوند و آنان در آن تاثیرگذارند. برای رفع اشتباهات حسی، مهمترین راه تمرکز و خود آگاهی است، با تمرکز و توجه دقیق . برای دوری از آلفا باید خودت باشی یعنی خودآگاهیت فعال باشد؛ آنموقع در معرض امواج آلفا نیستی.

۱۷) تنبلی

تنها راه اینکه انسان در آلفا نباشد، یادآورنده‌ها هستند . یعنی چیزهایی که گهگاه ما را هشیار کنند. مثلا انسان تمایل دارد که دیر از خواب بیدار بشود، باید با استفاده از خوداگاهی و یادآورنده ها، کاری کند که این حالت رخ ندهد. یعنی باید انرژی مصرف کنیم و با نیرو و توان خود را خلاص کنیم . اکثرا انسانها تنبلی می کنند و فقط می

خواهند در ذهن خود مسائل را حل کنند؛ یعنی اسیر ذهن خود می شوند.

لا حول و لا قوه الا بالله

یعنی هر حرکتی موجب نزدیکی به خدا است (به شرطی که مبدا نیت از آلفا نباشد). این بسیارمهم است. تنها رقیب ذهن حرکت و انرژی است. چون برخلاف دراویش و مرتاضان ، ذهن هیچ انرژیی ندارد و تنها عمل است که صاحب انرژی است و موجب تغییر میشود. به همین خاطر خدا مدام در کنار ایمان از عمل صالح صحبت می کند.

امنوا و عملوا الصالحت

مثلا همان نظریه که می گوید حرکت بال پروانه ممکن است موجب سونامی بشود. در این حالت عمل پروانه باعث چنین اتفاقی است نه ذهن پروانه. ایمان و عمل باید توامان باشد. فقط یکی بدرد نمیخورد. اگه کسی بخواهد از آلفا بیرون بیاید، تنها راهش عمل است. اگر بخواهد با خیال بافی بیرون بیاید بازم اسیر میشود. مثل کسی که می گوید از شنبه نمازهایم را می خوانم، تو ذهنش می خواهد خودش را راضی کند. ولی

این فرد باید بداند که عملش بر جهان هستی و از همه مهمتر خودش اثر دارد. اما در عوض خیالبافی او را اسیرتر می کند. مثلا به درون طبیعت میروی، یک حرکت مثبت و واقعی انجام می دهی؛ این بهت لذت می دهد. هر حرکت درستی منشاءش خداست.

لا حول و لا قوه الا بالله

نماز حرکتی است به سوی خدا. بسیار مهم است کسی در وقتهای مشخص از تنبلی دوری کند و نماز بخواند. تنبلی گناه بزرگی است. چون در تنبلی آدم

می خواهد همه چیز خودش خود بخود درست بشود. نماز از تنبلی جلو گیری می کند. تنبلی آدم را به ناخودآگاه می برد. اکثر لذت های کاذب دنیوی توی ذهن انجام می گیرد. دقیق بهش فکر کنید آدم تو دنیای درونش دارد لذت می برد. یک لذت کاذب. ولی اگر مثلا گلی رو با دستش لمس کند و یا آب سردی رو با بدنش حس کند، اینها واقعیند. به صورت طبیعی جنگلی رو ببیند از نزدیک ، اینا تو حالت نرمال و خود آگاه هست که به آدم لذت واقعی

می دهد. خدا طوری آدمی را آفریده است که با لذات ذهنی سیر نمیشود و فقط با لذات درست و خداپسند در دنیای واقعی سیر میشود. حتی لذات حرام که عملا انجام میشود، چونکه از توهم و آلفا سرچشمه می گیرند؛ باز راضی کننده نیستند و حتی ولع آدمی را بیشتر می کند. مهمترین نتیجه یک عمل حرام و نادرست این است که بعد از انجامش، در آلفایی و گرفتار توهمات میشوی!

بعضی افراد آنقدر در آلفا فرو می روند که دنیای واقعی برای آنها کم اهمیت میشود؛ آنها نسبت به حوادث دور و بر خود عکس العمل واقعی نشان نمی دهند. مثلا حتی اگر وسیله نقلیه ای آتش بگیرد و یک فرد در داخل ماشین فریاد بزند که "کمکم کنید از ماشین خارج شوم" ؛ آنها بجای کمک کردن، عکس می گیرند و اینجوری نشان می دهند که آنها نسبت به دنیای واقعی بیگانه اند و در یک فضای دیگری سیر می کنند.

بعضی ها که وارد طبیعت و یا مکان دیدنیی میشوند، مدام مشغول عکس و سلفی گرفتن هستند و احتمالا بیشتر مواقع در آن موقعیت لذت نمی برند و سعی می کنند مدام عکس بگیرند. برای اینکه اینها به تصویرسازی عادت کرده اند و بعدا از عکس آن طبیعت و فکر کردن به آن لذت می برند. یعنی آنها لذات دنیای واقعی را سعی دارند در قالب همان تصویرسازی، لذتش را ببرند!

استشمام بوی گل به صورت واقعی آدم را به خدا هم نزدیک می کند و به تفکر وا می دارد؛ ولی انسانها به جای تفکر در دنیای واقعی، مشغول خیال بافی و تصویرسازی هستند. تصویرسازی همان آلفاست و باعث رکود ذهنی افراد میشود و آنان را در اختیار اجنه قرار می دهد.

---

۱۸) برای تغییر جهان، عمل کن

جدیدا رواج شده می گویند:

Change your mind , change your world

ذهنتو تغییر بده، جهان را تغییر بده.

در حالیکه این گفته درست نیست و جهان هستی که خدا خلق کرده در تعادل کامل قرار دارد و با عمل می توان تغییر ایجاد کرد نه با خیال و توهم و صرفا ذهن . و این از تعالیم بوداییان و فلسفه شرق وارد علم روانشناسی هم شده . در حالیکه آدم تو ذهنش فقط آلفا رو از یک مسیر به مسیر دیگر

تغییر می دهد و دنیای توهمی خودش را تغییر می دهد نه دنیای واقعی . دنیای واقعی فقط با عمل تغییر می کند نه با توهمات ذهنی. بعضی مکاتب عرفانی جدید به اسم ذهن درمانی و ... که اکثرا از مکاتب شرقی گرفته شده است، سعی در بیرون آوردن افراد از آلفا را ندارند، بلکه از یک آلفا به آلفای دیگر می برند و فرد فکر می کند تغییری در او ایجاد شده است. در حالیکه این فرد تغییری واقعی در او ایجاد نشده است ، بلکه همه تغییرات ذهنی است. برای ایجاد

یک تغییر واقعی باید حتما و قطعا از آلفا بیرون آمد و الا فقط درجازدن است. حرفهای قشنگ و جملات آرامش بخش و موزیکهای معروف به نسل جدید (New Age) بی فایده است و فقط حکم یک مسکن را دارد. خدا خودش ما را آفریده است و او بهتر از هر کسی نیازهای ما را می داند و او بهتر از هر کسی می داند که چطوری نیازهای روح و روان ما برطرف میشود.تنها با اجرای دستورات خدا ما به آرامش می رسیم و لاغیر.

۱۹) شکرگذاری

یک چیز مهم این است که هر چیزی که در دنیای واقعی نباشد آلفا است؛ مثلا کسی خیالبافی می کند که قهرمان یک ورزش رزمی است ولی خودش هیچ وقت حوصله ورزش کردن ندارد ، این فرد تو خیالش قهرمان است، اما تو دنیای واقعی نه، این یعنی آلفا ، یعنی اینکه این فرد شاکر و راضی نیست و تو

خیالش یه شخصیت درست میکند که ازش راضیه!

آیه قرآن: لئن شکرتم لازیدنکم

اگر شکر گزاری کنی خدا نعمتت را افزایش می دهد اما اگر ناشکر باشی نعمتت را کم می کند. شاید یک نفر خیالبافی می کند که یک خانه بزرگ و قشنگ دارد و همه ازش تعریف می کنند، این یعنی اون نفر شکر گزار نیست و راضی نیست و همین باعث میشود برود تو رویا برای خودش جهان دیگری درست کند با قوانین مخصوص

خود. شیطان وعده داده است که کاری می کند که بیشتر مردم شکرگذار نباشند! این مطلب آیه قرآنه:

من خلفهم و عن أيمانهم و عن شمائلهم و لا تجد أكثرهم شاكرين

تنها راهش شکر گزاریه که انسان را از خیالبافی دور میکند.

(البته این آیه شاید اشاره به بخش های پشت سری و بخش های جلو و طرف مغز سر انسان که هر کدام مربوط به احساسات و واکنشهای ذهنی ویژه ای در انسان است ، داشته باشد و اینکه

میتواند به راحتی مورد تغییر و وسوسه واقع شود . یعنی موجوداتی با استفاده از این قسمت های مغز سعی در منحرف کردن انسانها دارند)

---

۲۰) شخصیت های کاذب و خیالی

کسانی که در آلفا زندگی می کنند، برای خود یک شخصیت کاذب و دنیای دیگری میسازند و با آن مانوس میشوند. این دنیای کاذب ساخته

شیاطین است. زیرا دنیای واقعی ساخته خداست. این افراد کمتر به عمل صالح در دنیای واقعی عادت می کنند و به همین دلیل به مقدرات و ساخته های خدا راضی نیستند.

کسی که شکر گزاره، بیشتر عمل می کند، خوب نعمتها افزایش پیدا میکند و حرکت میکند ولی کسی که شکر نمی کند و خیالبافی می کند و در نتیجه پسرفت می کند و توی ذهنش عقده درست میشود و بعضی اوقات با مواد مخدر این مشکلات ذهنی را می خواهد

فراموش کند. در اصل شکر گزاری یعنی رضایت قلبی از خود و اعمال خود که در واقعیت به نتیجه ای رسیده اند.

این خیلی مهم است که اکثر آنهایی که معتادند یا شکست عشقی دارند یا خیلی موفق نبوده اند ، آدمهای ناسپاسی بوده اند.

مصرف مواد مخدر برای اینه که آن فرد بتواند دوباره وارد آلفا شود. اصلا مواد مخدر و مشروبات الکلی کارش همینه. با رفتن به آلفا به طور موقت از واقعیت دور می شوند و سرپوش روی واقعیات

زندگی می گذارند. زیرا کسی که معتاد است ، در دنیای واقعی نمیتواند زندگی کند، به همین خاطر دوباره میخواهد وارد آلفا شود. آلفایی که از آن خاطره دارند و در آن جا سرخوشند. به همین خاطر برای یک ذره مواد له له میزنند، زیرا آنها فقط با مصرف مواد مخدر میتوانند دوباره وارد حالت توهم و سرخوشی شوند. با مصرف مواد مخدر ، دوباره اجنه خود را فراخوانی کرده و کنترل خود را دست آنان می دهند.

دنیای آلفا بسیار کوچک است و امکانات بسیار محدودی دارد. زیرا فقط قدرت پردازش یک جن است. اما دنیای واقعی را خدا ساخته و حرف برای گفتن زیاد داره. نشانه و آیت زیاد داره. خدا می فرماید چرا به نشانه های ما نمی نگرید و توجه نمی کنید. دنیای آلفا نمی گذارد مردم نشانه های خدا را ببینند و الا همه مردم جهان تسلیم خدا می شدند. هدف شیطان از بردن انسانها به آلفا یک چیز است:

پرده بر دلهای آنها بزند و به تصاویر ساختگی و مذاهب ساختگی مشغولشان کند و از خدا و واقعیات زندگی دورشان کند.

لطفا سوره الرحمن را حتما بخوانید و توجه کنید که خدا چقدر زیبا آدمیان را به سوی واقعیات و آیات و نشانه ها دعوت می کند.

---

۲۱) دعای انسان در آلفا مستجاب نمیشود

در دنیای واقعی همه اعمال و کارها در دست خداست و خدا در آنجا صدای بندگانش را میشنود و جواب می دهد. اما در دنیای آلفا ، صدای بندگان به خدا نمی رسد. به همین خاطر دعاهایی که در آلفاست، مستجاب نمیشود. بلکه دعاهای در جهان واقعی مستجاب میشود. خدا قطعا و بدون استثنا به دعای" بندگانش" پاسخ می دهد

سوره بقره آیه ۱۸۶:

وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ (۱۸۶)

[۲:۱۸۶] و چون بندگان من درباره من از تو بپرسند، من همیشه نزدیکم. هرگاه مرا بخوانند من به دعای آنان پاسخ می دهم. مردم باید به من پاسخ دهند و به من ایمان آورند، تا ارشاد شوند.

شاید بعضی ها بگویند که چرا دعای ما مستجاب نمیشود؟ زیرا دعاهای از ته دل و در دنیای غیر آلفا، مستجاب میشوند. چون اصولا دعاهای در فضای آلفا واقعی نیستند، همانطور که خود آلفا ساختگیست.

گاهی خطراتی در دنیای واقعی متوجه انسانهاست، اما از آنجا که فرد در محیط آلفاست، متوجه نمیشود. مثل اخطارهایی که رسولان به اقوام خود می دادند و مردم آنها را مسخره می کردند.

مسخره کردن به این خاطر بود که آنان در آلفا بودند.

در دنیای واقعی گهگاه مسائلی پیش می آید و یا سختیی روی می دهد در این مواقع باید صبر داشته باشیم و نگذاریم که صبرمان را ازدست بدهیم و نباید به آلفا پناه ببریم. صبر هم مانند شکرگذاری بسیار مهم است.

ان الله مع الصابرین

این آیه بسیار جالب است یعنی تا زمانی که صبر داشته باشی، خدا همراهته ولی

اگر صبر را ازدست بدهی به آلفا رفته و راه را گم می کنی و گمراه می شوی و در نتیجه خدا همراهت نیست. کسی که صبر نکند، یعنی میخواهد وارد آلفا شود و مشکلش را ذهنی حل کند. اینها راههای بسیار جالبی هستند که خدا به ما داده که از آلفا دور بشویم. پس تا اینجا راه حلهای خدا در زندگی را مشاهده کنید:

عمل صالح، تفکر، صبر . شکر

مثلا در یک مسئله ناگوار اگر فرد صبر نداشته باشه وارد فضای آلفای یاس و

ناامیدی و غم می شود یاس و نا امیدی و غم از ناحیه شیطان است. چقدر جالب است که خدای مهربان همه مثال ها را در قرآن زده و ما را راهنمایی کرده است. فقط باید تدبر داشت. کسانی که از خدا نا امید میشوند، در اصل فکر میکنند در میانه مشکلات کنترل کارها از دست خدا خارج شده است. آنها فکر میکنند دیگر خدا رتق و فتق امور را در دست ندارد، به همین خاطر به یک چیز مادی رو میآورند. کسی که نا امید شده عملا در مسیری بر خلاف مسیر خدا

قدم بر می دارد و همین عمل او که بر اساس نا امیدی است در وجود او تاثیر می گذارد که نتیجه این عمل به خودش بر می گردد.

بیشتر انسانها وقتی مشکلی برایشان پیش میاید، میخواهند از همان اول همه چیز و همه راهها و پیشامدهای مربوط به آن مشکل را پیش بینی و قضاوت کنند. چنین چیزی یعنی عدم صبر و در نتیجه مجبورند وارد آلفا شوند و در آنجا براساس شک و گمان برنامه ریزی و پیش بینی کنند.

شیطان به آدم و حوا وعده داد که اگر از آن میوه بخورند، به آنچه که آرزو دارند میرسند. آن میوه مثل یک مخدر بود که آدم و حوا را وارد آلفا می کرد و در نتیجه تحت کنترل شیطان قرار گرفتند و از بهشت اخراج شدند.

شیطان برای رسیدن به هدف خویش، باید به طریقی انسان را وارد آلفا و یا جذب آلفا بکند. تا که بتواند او را کنترل کند و افسار ذهن را در دست بگیرد.

۲۲) ترس مهمترین عامل جذب به فضاهای آلفاست

آیه قرآن :

الشّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأمُرُکُمْ بِالْفَحْشاء

ترس از فقر و امر به فحشاء جزو منطقهای فضای آلفاست. در فضای آلفا منطق جور دیگریست. ۲+۲ نمیشود ۴. در فضای آلفا فقط غرور پرورش می

یابد زیرا تو عملا کسی نیستی که می پنداری! شیطان آدمی را از فقر میترساند. ترس از فقر و نداری، یک توهم است که شیطان بوسیله این نوع ترس، آدمی را وادار به دزدی، رشوه، طمع، کم فروشی و ... می کند. یعنی توهمات مبداء تمام کارهای پلید هستند.

باور کردن توهم در ذهن ، منجر به وادار کردن فرد به انجام کارهای پلید میشود. زیرا فرد در منطق آلفایی برای جلوگیری از یک ترس (که فقط توهم و

نابجاست است)، دست به انجام کارهای پلید میزنند.

---

۲۳) آلفاهای منحصر به فرد

گاها بعضی آلفاها آنقدر منحصر بفردند که افراد کمی در آن بسر می برند و در نتیجه افراد این فضا از شدت تنهایی دست به خودکشی می زنند و یا گوشه گیر میشوند. نا امیدی در فضای آلفا موج میزند. زیرا قوانین آن با واقعیت

سازگار نیست و گیج کننده است. در نهایت فرد به سمت پوچ گرایی میرود. زیرا به علت عدم انطباق منطق آلفایی با واقعیت، افراد به آلفا رفته، ادارک و بصیرت و خرد خود را از دست می دهند و از دنیای واقعی نا امید میشوند. به همین خاطر خدا می فرماید که نا امیدی گناه بزرگی است. دقیقا به همین دلیل است که در آلفا قرار گرفتن، منشاء تمام بدبختیهای دیگر است. کلا فضای آلفا نا امید کننده است، زیرا راضی کننده نیست و افراد را به بن

بست می رساند. زیرا نیازهای واقعی یک انسان در آن نیست و فقط نیازهای کاذب را داراست. انسان با نیازهای فطری آفریده شده است و فضاهای ساخته اجنه نمیتواند جای فطرت خدادادی را بگیرد.

---

۲۴) یک اشتباه بزرگ در مورد عبادت و راز و نیاز

یکی از پروفسورهای ایرانی در تعریف آلفا می گوید:

"(تمام داده هایی که وارد مغز می شود در حالت امواج بتا پردازش می شوند و آنچه را بخواهد وارد نیمکره سمت راست می کند. نیمکره سمت راست همان ناخودآگاه است و بیشتر مربوط به احساسات و عواطف می باشد. هنگامی که وارد حالت آلفا می شویم اطلاعاتی که وارد مغز می شود بدون پردازش نیمکره چپ وارد مغز می شود. حالت آلفا پایه و دروازه ورود به

سمت نیروهای برتر یا ناخودآگاه است و حالت مشترک در بین تمام قبایل و ادیان جهت دعا و ارتباط با دنیای ماوراء می باشد. در حالت نماز ودعا وراز ونیاز معمولاً چراغ ها را خاموش می کنند.)"

متاسفانه گفته این پروفسور دقیقا مخالف آیه قرآن است که خدا دستور می فرماید در حالت آلفا نماز نخوانید. در حالی که این فرد میگوید که: *"حالت آلفا پایه و دروازه ورود به سمت نیروهای برتر یا ناخودآگاه است و حالت مشترک در بین تمام قبایل و*

ادیان جهت دعا و ارتباط با دنیای ماوراء می باشد. "

اما خدا دستور می دهد که در حالت آلفا نماز و عبادت بجا نیاورید . یعنی در حالتی که مغز انسان فعالیتش کم میشود و بیشتر احساسات و عواطف و توهم غالب است، نباید نماز بجا آورد. نماز باید در حالت خود آگاهی انجام شود و نه در حالت ناخودآگاهی.

آیه قرآن: و لا تقربوا الصلوه و انتم سکری

در حالت مستی و خماری نماز بجا نیاورید.

---

۲۵) شرایط بدن انسان بعد از قرارگرفتن در آلفا

با قرار گرفتن در سطح امواج مغزی آلفا، تعداد ضربان قلب، مصرف اکسیژن توسط سلول های بدن و دفع دی اکسید کربن کاهش می یابد،

متابولیسم بدن آهسته تر می شود و فعالیت سیستم عصبی سمپاتیک نیز کاهش می یابد. کاهش مصرف اکسیژن در حالی که فرد در سطح آلفاست و در عین حال مشغول دیدن مثلا فیلم سینمایی است؛ باعث ضررات جبران ناپذیری به بدن میشود و گاها بیشتر بیماریها از همین نقطه ها ناشی میشوند. مهمترین علت سردی مداوم بدن ناشی از در آلفا بودن است. انسان در آلفا باشد ولی کارهای حالت بیداری انجام دهد؛ در این حالت با توجه مصرف

کمتر اکسیژن و ... ضررات زیادی به اعضاء بدن وارد میشود.

---

۲۶) طریقه حمله شیطان

شیطان طریقه حمله خود را می گوید:

ثُمَّ لَآتِیَنَّهُم مِّن بَیْنِ أَیْدِیهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَیْمَانِهِمْ وَعَن شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَکْثَرَهُمْ شَاکِرِینَ

[۷:۱۷] "من از جلو و از پشت سرشان و سمت راست و چپ آنها نزدشان خواهم آمد و تو اکثرشان را ناسپاس خواهی یافت."

امواج بتا در جلوی سر ، امواج الفا در قسمت عقب سر ، و امواج تتا در طرفین سر هست؛ به این ترتیب، شیطان نقشه هایش را در چندین مرحله جهت گمراهی انسانها اجرا می کند. ابتدا در بتا ما را وسوسه می کند یعنی از جلو سر ؛ اگر فرد وسوسه را باور کند و جذب آن شود، بعد وارد آلفا شده و

شیطان در آلفا کار خود را میکند یعنی عقب سر و بعد در خواب یعنی تتا ، به گمراهی ادامه می دهد. ولی در خواب بسیار عمیق یعنی دلتا هیچی نگفته است، به نظر من شاید خوابهای راستین در این فرکانس هستند. در کل میتوان در نظر گرفت که شیطان هیچ فرصتی را از دست نمی دهد. حتی در خواب هم مشغول منحرف کردن است.

---

۲۷) جادوهای روزمره

اما چیزی که در این میان بین مردم ناشناخته است ، این است که ما در طول روز بارها و بارها در معرض نمایشات و وسوسه ها و جادوهای شیطان قرار می گیریم و حتی بعضی از آنها را باور می کنیم و حتی بعد از مدتی به آن عادت می کنیم. هر به آلفا رفتنی ، یک نوع جادوست که واقعیت را برای فرد تغییر می دهد. گناه کردن در آلفا انجام میشود و این هم نوعی جادوست. متاسفانه مردم به این نوع از جادو که در زندگی روزمره خود با آن مواجهند،

توجهی نمی کنند. وقتی اسم جادو و سحر می آورید، فورا ذهنشان به کارهای مرتاضان و درویش منعطف و متوجه میشود. در حالیکه کارهای مرتاضان و درویش، فقط یک جادوی ناهمگون برای بیشتر مردم است و تعداد این افراد بسیار کم و نایاب است. فریب شیطان را خوردن و از شیاطین کمک گرفتن در لذات گناه، که روزانه انجام میشود هم نوعی جادوست. این نوع جادو و سحر همه گیر است و در

سطح جامعه وسیع است و به همین خاطر کسی به آن توجهی نمی کند.

قرآن : شیطان می گوید: لاغوینهم اجمعین (همگی را وارد آلفا می کنم)

شاید یکی از منظورهایش همین نوع جادو باشد که همه گیر است و در سطح وسیع مردم به آن می پیوندند. شیطان براحتی از طریق محتویات اینترنت و ماهواره و حتی تلویزیون و حتی کتاب میتواند بینندگان و خوانندگان خود را هیپنوتیزم کند و آنان را جادو کند و ایده های خود را به آنان بقبولاند. بیشتر

مردم وقتی برای آنان از سحر و جادو صحبت می کنی، فورا جنبه وحشتناک و عجیب و غریب آن رادر نظر می گیرند؛ در حالیکه ما در طول روز بارها فریب شیطان را می خوریم و سحر و جادو میشویم. وقتی کسی به آلفا میرود و تحت کنترل شیاطین قرار می گیرد؛ در واقع به نوعی جادو و سحر شده است. و جزو نیروهای شیطان بحساب میاید. ولی خودش خبر ندارد. به همین خاطر استقامت در اعمال نیک بسیار مهم است

زیرا آدمی را از فضاهای شیطانی دور می کند.

سوره الأحقاف _ آیات ۱۳

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۳﴾

[۴۶:۱۳] مطمئنا، کسانی که می گویند: "پروردگار ما خداست،" سپس زندگی پرهیزکارانه ای را در پیش می گیرند، نه ترسی خواهند داشت و نه غمی.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

[۴۶:۱۴] آنها سزاوار بهشت شده اند، جایی که جاودان بمانند؛ پاداشی برای اعمالشان.

---

۲۸) شیطان پرستی

اولین کسی که به مبارزه با شیطان پرستی پرداخت، ابراهیم بود.

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

[۱۹:۴۴] "ای پدر من، شیطان را پرستش نکن. شیطان علیه آن بخشنده ترین شورش کرده است.

چه کسی شیطان را پرستش می کند؟؟ فکر نکنم کلا بیش از صد نفر در جهان باشند که معتقد باشند که مستقیم دارند شیطان را پرستش می کنند. عبادت شیطان یعنی باور کردن نمایشات و سحر و جادوها و لذتهای شیطان. یعنی از شیطان کمک گرفتن و در نتیجه پرستش شیطان. از آنجا که لذتهای فضای آلفا سیر کننده نیستند، بنابراین

فرد مدام مجبور است که زیاده روی کند تا به ذره ای لذت برسد. در جهنم هم وضعیت همانطوری است. جهنمی ها هم هیچ‌وقت سیر نخواهند شد، امکانات فضای آلفا براساس نیاز انسانها نیست. بلکه یک محیط ساختگی است. محیط ساختگی، ساخته پرداخته اجنه و مهندسی شده توسط شیاطین. زرق و برق فضای آلفا مثل تار عنکبوت می‌ماند جهت به دام انداختن انسانها.

آیا پدر ابراهیم شیطان را عبادت میکرد که خدا میفرماید: يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ

الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا؟

[۱۹:۴۴] "ای پدر من، شیطان را پرستش نکن. شیطان علیه آن بخشنده ترین شورش کرده است.

قطعا نه و شاید پدر ابراهیم خودش را از سایر مردم خدایی تر و مذهبی تر معرفی میکرد؛ بلکه "شرک" او را جزو شیطان پرستان قرار داد. شریک قراردادن برای خدا یعنی شیطان پرستی.

وَ مَنْ یَتّخِذِ الشّیْطانَ وَلِیًّا مِنْ دُونِ اللّهِ فَقَدْ خسِرَ خُسْراناً مُبیناً

براساس آیه زیر صراحتا دوستی با شیطان و شرک انسان را شیطان پرست می کند:

فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ إِنَّما سُلْطانُهُ عَلَی الَّذِینَ یَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِینَ هُمْ بِهِ مُشْرِکُون.

[۱۶:۱۰۰] قدرت او محدود به کسانی است که او را به عنوان سرور خود برمی گزینند؛ همان کسانی که او را به عنوان خدای خود انتخاب می کنند.

أ فَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّیَّتَهُ أوْلِیاءَ مِنْ دُونِی وَ هُمْ لَکُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِینَ بَدَلًا.

وَ مَنْ یَتَّخِذِ الشَّیْطانَ وَلِیًّا ... أولئِکَ مَأواهُمْ جَهَنَّمُ ... وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی

هرکسی شیطان را پیروی کند، و جذب زینتهای شیطان شود، او را به عنوان ولی خود برگزیده:

تَاللَّهِ لَقَدْ أرْسَلْنا إِلی أُمَمٍ مِنْ قَبْلِکَ فَزَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ أعْمالَهُمْ فَهُوَ وَلِیُّهُمُ الْیَوْمَ وَ لَهُمْ عَذابٌ ألِیمٌ

پس نتیجه می گیریم که پدر ابراهیم بعلت شرک، شیطان پرست نامیده میشود:

یا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ ما لا یَسْمَعُ وَ لا یُبْصِرُ وَ لا یُغْنِی عَنْکَ شَیْئاً یا أَبَتِ إِنِّی أَخافُ أَنْ یَمَسَّکَ عَذابٌ مِنَ الرَّحْمنِ فَتَکُونَ لِلشَّیْطانِ وَلِیًّا

[۱۹:۴۲] او به پدرش گفت: "ای پدر من، چرا چیزی را پرستش می کنی که نه می تواند بشنود و نه ببیند و نه به هیچ طریقی به تو کمک کند؟

وَ فَرِيقاً حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ

شَيْطان مَرِيدٍ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ

چرا خدا به پدر ابراهیم می گوید شیطان پرست؟؟

دستور عدم پرستش شیطان فقط برای پدر ابراهیم نیست، بلکه برای همه بنی آدم است.

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

این نشان میدهد که پرستش شیطان یعنی بت پرستی. اونی که هوای نفس خود را خدای خود قرار می دهد، صراحتا نمی گوید که هوای نفس را پرستش می کند.

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

بر همین منوال اونی که راه و روش شیطان را بر می گزیند، شیطان پرست است بدون اینکه خود بداند، مثل پدر ابراهیم.

۲۹) سه مرحله مهم شیطان پرستی

آیه ۱۱۹ سوره نساء:

وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنعامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبيناً أُولئِکَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ لا يَجِدُونَ عَنْها مَحِيصاً

[۴:۱۱۹] "من آنان را گمراه خواهم کرد. من آنان را به دام خواهم انداخت.

من به آنان فرمان خواهم داد که (برای حرام کردن بعضی از گوشت ها) گوش چارپایان را علامت نهند و به آنان فرمان خواهم داد که خلقت خدا را تحریف کنند." هرکس به جای خدا، شیطان را به مولایی قبول کند، زیانی آشکار متحمل شده است.

در آیه ۱۱۹ سوره نساء، سه مرحله مهم را توضیح داده که بسیار اهمیت دارد :

وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ

مرحله ۱: لَأُضِلَّنَّهُمْ (گمراه کردن جهت بردن به آلفا)

مرحله ۲: لَأُمَنِّيَنَّهُمْ (در آلفا به خیالپردازی و توهم مشغولشان می کند)

مرحله ۳: لَآمُرَنَّهُمْ (بعد که در آلفا گیر انداخت، حالا به آنها امر و نهی می کند)

یعنی شیطان طبق حیله های خود مردم را گمراه می کند و وارد آلفا می کند، بعد آنان را به فضاهای آلفا عادت می دهد؛ در نهایت آنوقت امر و نهی خود را اجرا می کند. پس سه مرحله فریب

شیطان که میلیاردها نفر در طول تاریخ را با همین شیوه بدبخت کرده است بصورت زیر است:

۱- وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ (فریب دادن)

۲-وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ (در آلفا مشغولشان کردن و معتاد کردن آنان به آلفا)

۳-وَ لَآمُرَنَّهُمْ (امر به گناه)

---

۳۰) ابهام

هر چیزی که معنای خاصی نداشته باشد و در ابهام و وهم به سر ببرد، به نوعی شعر تلقی میشود و آدمیان را به آلفا می برد.

مثلا این شعر:

"دیر گاهیست که تنها شده ام قصه غربت صحرا شده ام

وسعت درد فقط سهم من است بازهم قسمت غم ها شده ام

دگر آیینه ز من بی خبر است که اسیر شب یلدا شده ام

من که بی تاب شقایق بودم همدم سردی یخ ها شده ام

کاش چشمان مرا خاک کنید تا نبینم که چه تنها شده ام...

غربت آن نیست که تنها باشی / فارغ از فتنه ی فردا باشی

غربت آن است که چون قطره ی آب / در به در ، در پی دریا باشی

غربت آن است که مثل من و دل / در میان همه کس یکه و تنها باشی"

از این نوع اشعار و جملات زیاد است. کار این جملات ، تحریک احساسات، غم و هیجان است. و دقیقا این مهمترین راه برای بردن افراد به آلفاست. در اصطلاح به این روش ، روش نرم و آرام گفته میشود. از آنجا که این روش شامل ترس نیست، بیشتر مردم از خطرات اشعار و جملات احساسی و فیلمها و سریالهای تلویزیونی بی اطلاعند و براحتی از این طریق جذب شیطان میشوند. گاهی صحنه های خاصی در فیلم و یا بازی چنان افراد را غرق در

احساسات و هیجان می کند که مستقیم وارد آلفا می کند. تمام تلاش شیطان این است که افراد را وارد آلفا کند، بعد که آنها را به آلفا عادت داد، دیگر کنترل افراد ساده میشود.

همان سه مرحله که در بالا ذکر شد:

مرحله ۱: لَأُضِلَّنَّهُمْ (گمراه کردن جهت بردن به آلفا): بوسیله اشعار، توهمات، فیلمهای سینمایی و سریالها و ...

مرحله ۲: لَأُمَنِّيَنَّهُمْ (در آلفا به خیالپردازی و توهم مشغولشان می کند)

: مشغول کردن و عادت دادن افراد به این توهمات

مرحله ۳: لَآمُرَنَّهُمْ (بعد که در آلفا گیر انداخت، حالا به آنها امر و نهی می کند) : امر کردن و نهی کردن

افرادی که دچار گناهان بزرگ همچون قتل و دزدی و زنا و ... میشوند، زمانی هر سه مرحله را طی کرده اند و هم اکنون در مرحله سوم قرار دارند. آنان بوسیله شیطان کنترل میشوند و

نجاتشان بسیار سخت شده است. فقط خدا می تواند نجاتشان دهد.

---

۳۱) لذتهای آلفا سیر نمی کند، بلکه عطش را بیشتر می کند

نکته مهمی در این هیجانها و احساسات هست و آن هم این است که هیچوقت سیر کننده نیستند و اگر روزی دو هزار از این اشعار و جملات بخوانی، باز هم

سیر نمیشوی! زیرا خدا ما را طوری آفریده است که صرفا با خواندن و تحریک احساسات و هیجان و غم ، سیراب نمیشویم، بلکه باید عمل کنیم. اگر از نگاه کردن به فیلم در مورد کمک به فقرا خوشت میاید و احساسی میشوی، باید به آن عمل کنی و الا بی فایده است. ایمان و عمل صالح باید توامان و با هم باشد و الا بی فایده است.

صرفا ذهن تنها نمی تواند چیزی را تغییر دهد. بلکه باید به آن ایده ذهنی عمل شود و الا بیفایده است و در این

حالت فرد درجا می زند و بعد از مدتی که فرد در مقابل انجام عمل صالح مقاومت کرد، خدا قفلی بر قلب او می زند و اینبار تغییر فرد بسیار مشکلتر از قبل میشود.

ایمان اگر همراه با عمل صالح باشد، براحتی احساسات و هیجانت راضی و سیر میشود؛ به این سادگی و کم هزینگی. فقط عمل کنید به اعمال صالح. دیگر نیازی نیست صدها کتاب شعر بخوانی.

نیازهایی که خدا در وجود ما قرارداده ، فقط با عمل (صالح) سیر میشود و برآورده میشود. با فکر کردن و احساسات و خیال و غم و گریه و عزاداری حل نمیشود و تازه عطش آن بیشتر میشود. وقتی مصیبتی بر آدمی نازل میشود، خدا میفرماید که : انا لله و انا الیه راجعون! خدا این نوع تفکر در مورد مصیبت را به مردم نصیحت می کند. این آیه قرآن نشان می دهد که افراد نباید بخاطر مصیبتهای پیش آمده در زندگی، خود را وارد احساسات عمیق

و آلفا کنند. زیرا در آنجا در معرض شیاطین قرار می گیرند.

---

۳۲) عمل صالح

بهترین روش مبارزه با فضاهای آلفا

اگر فیلم نگاه می کنی و در آن فیلم هنرپیشه فیلم به فقرا کمک می کند و تو خوشت میاید، باید به آن کار نیک عمل کنی تا سیر شوی و در تو تاثیر

کند. باید تو هم به فقرا کمک کنی. عمل صالح است که باعث ترقی روح و ماهیت انسان میشود. ایمان و عمل صالح مثل طناب و گام برداشتن هستند در کوهنوردی. اگر طناب نداشته باشی، زیاد نمیتوانی از کوه بالا بری و ممکن است در نیمه راه بیفتی. اگر هم فقط طناب داشته باشی و برای بالا رفتن از کوه تلاش نکنی ، باز بیفایده است.

اگر طناب خوبی (ایمان و عقیده خالص) نداشته باشی، ممکن است در حین کوهنوردی (عمل) پاره شود و

سرنگونت کند. آدم باید براساس توانایی و ایمانش گام برداره و الا آسیب می بیند. **یکی از بهترین** کارهایی که هر آدمی میتواند انجام دهد به عنوان عمل صالح، آن است که در شغل و کار روزمره خود پاک باشد و آن را به درستی و پاکی انجام دهد و خیانت نکند. شاید این بهترین شروع برای پاک شدن باشد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

[۱۹:۹۶] مسلما، کسانی که ایمان آورند و زندگی پرهیزکارانه ای را در پیش گیرند، بخشنده ترین ایشان را از باران عشق سیراب خواهد کرد.

بر طبق آیه فوق، ایمان و عمل صالح افراد را با خدا دوست می کند و کسی که با خدا دوست شود، دیگر نیازی به احساسات و توهمات آلفایی نخواهد داشت.

ایمان بدون عمل صالح بی فایده است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ
يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ
يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ
كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا
مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۵۸﴾

[۶:۱۵۸] آیا آنها منتظرند تا فرشتگان نزدشان بیایند، یا پروردگارت، یا برخی از نشان های فیزیکی پروردگارت تجلی کند؟ روزی که این اتفاق رخ دهد، دیگر هیچ نفسی از ایمان آوردن بهره ای

نخواهد برد، چنانچه پیش از آن ایمان نیاورده و با اعمال پرهیزکارانه، منافع ایمان را کسب نکرده باشد.* بگو: "منتظر باشید؛ ما هم منتظریم."

ترجمه ای دیگر: آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به

دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

عمل صالح و ایمان باعث ایجاد یک زندگی پاک خواهد شد. این نکته مهم را خدا در قرآن می فرماید:

آیه ۹۷ سوره نحل: مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مَن ذَكَر أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

ترجمه: هر کس ـ از مرد یا زن ـ کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات می بخشیم.

---

۳۳) کلید گم شده زندگی های مشترک

اشتباهی که بعضی از مردم در انجام کارهای نیک میکنند این است که آنها به انجام اعمال نیک در مورد خودشان توجهی نمی کنند. آنها فکر می کنند که عمل صالح فقط در مورد دیگران است.

ترک صفات شیطانی خودش یک نوع عمل صالح است و یک نوع حرکت عملی مثبت است که تغییرات فوق العاده ای در نفس انسان می گذارد. مثلا زن و شوهری که مدام با زبانشان به هم می پرند و تهمت و ناسزا می گویند، برای نجات از این صفت شیطانی، انتظار دارند که طرف مقابلشان این صفت را ترک گوید. در حالی که باید عملا خودشان این صفات رذیله را ترک گویند. این مهمترین تاثیر را در طرف مقابل خواهد داشت. وقتی شما صفات

رذیله خشم و تهمت و ناسزا و ... را ترک گویی، از نظر روحی بخدا نزدیکتری. کسانی که این صفات رذیله خانوادگی را دارند، باید توجه کنند که صفات شیطانی هیچ خیری در آن نیست، بلکه وضعیت را بدتر هم می کند. ترک صفات شیطانی خودش به نوعی عمل صالح است که در آرامش روحی افراد بسیار مفید است. همسران در خانواده ها باید توجه کنند و عمیقا اعتقاد داشته باشند که به هیچ عنوان هیچ خیر و صلاحی در خشم و کینه و

اتهام و تهمت و متلک و سایر صفات رذیله نیست.

کسانی که در آلفا هستند برای دفاع از خود در خانواده و اجتماع ناچارند از همان صفات آلفایی استفاده کنند. آنها در مقابل مشکلات پیش آمده، از تهمت و فحش و ناسزا و غیبت و متلک و تهدید و ... استفاده می کنند. زیرا در آلفا این صفات و اعمال زشت راه حل مشکلاتند. در حالی که در جامعه واقعی، صفات خوب راه حل مشکلاتند. صبر، بردباری، صداقت، گذشت، نرم خویی،

شکرگذاری، پایداری، مهرورزی، خوش قلبی و...



کلید گم شده تمام زندگی ها ، احترام بین زوجین است. بطوریکه زوجین احترامی برای هم قائل نیستند و در عین حال انتظار دارند که عاشق هم باشند. وقتی صفات رذیله را از زندگی خود حذف کنید، مودت خودبخود بوجود می آید. این دستور خدای مهربان است. ابتدا احترام بعد مودت؛ این یک اصل قرآنی است. وقتی احترام نباشد، قطعا مودتی در میان نخواهد بود. احترام یعنی ترک صفات رذیله شیطانی مثل تهمت و ناسزا و متلک و غیبت و ...

۳۴) گره های ذهنی

گاها بعضی افراد کینه ها و مشکلات خویش را در ذهن خویش به یک گره و عقده تبدیل میکنند. آنها آنقدر به مشکلات و درگیریهای ذهنی خویش اهمیت می دهند که در نهایت به یک گره ذهنی تبدیل می شود. شیاطین در انجام چنین کاری بسیار اصرار دارند، زیرا از این طریق براحتی میتوانند در ذهن آدمیان لانه سازند.

آیه ۴ سوره فلق:

و من شر النفاثات فی العقد

[۱۱۳:۴] از شر مشکل آفرینان.

گره های ذهنی تاثیر بدی بر روی سلامتی افراد دارد، بطوریکه آنان را دچار مریضی می کند. کینه در ذهن آدمی مثل سم است برای روح و جسم. گاهی افراد آنقدر کینه در دل نگه می دارند که بعد از مدتی به یک مساله و مشکل لاینحل در ذهن افراد تبدیل میشود. به این طریق کینه به یک مساله

همیشگی و ذهنی افراد تبدیل میشود. از آنجا که کینه یک صفت رذیله شیطانی است؛ با نگهداشتن کینه در دل، شیطان برای همیشه در ذهن افراد **لانه** میسازد.

---

۳۵) خشم

لطفا به شعر زیر توجه کنید:

"نامم را پاک کردی... یادم را چه میکنی؟

یادم را پاک کنی... عشقم را چه میکنی؟

اصلا همه را پاک کن

هر آنچه از من داری

از من که چیزی کم نمیشود...

فقط بگو با وجدانت چه میکنی؟

نکند آن را هم پاک کرده ای؟

نــــــــــه ! شدنی نیست...

نمیتوانی آنچه که نداشتی را پاک کنی."

به نظر شما شعر بالا چه فایده ای میتواند داشته باشد؟! غیر از اینکه طرف

میخواهد خودش را خالی کند. "خود را خالی کردن" عبارتی است که بیشتر مردم برای رفتن به آلفا بهانه میاورند! دشنام می دهند، حرفهای احساساتی می زنند و گریه های احساسی (نه واقعی) می کنند. در نهایت خیال می کنند که آرام شده اند. در واقع فقط یک قرص مسکن و آرام کننده مصرف کرده اند. اما خدا در قرآن در مقابل مصیبتها و مشکلات روش حلهای دیگری دارد. صبر- نماز - یاد خدا - طلب کمک از

خدا – استغاثه از خدا – انا لله و انا الیه راجعون

زیرا فقط با یاد خداست که قلبها آرام می پذیرد. الا بذکر الله تطمئن القلوب.

خشم ، نفرت ، کینه ، دشنام از صفاتی هستند که فقط در فضای آلفا تسکین دهنده هستند. در عوض ، صفات خدایی مانند عدم خشونت، عدم کینه، مهربانی و صبر و ... صفاتی هستند که در واقعیت تسکین دهنده هستند. در فضای واقعی تسکین دهنده ها فقط اخلاق خوب و اخلاق خدایی هستند. در حالی که در

فضای آلفا، تسکین دهنده ها صفاتی همچون خشم و کینه و دشنام و تهمت و غیبت و ... دارند. همانطور که می بینید شیطان با زیرکی تمام در فضای آلفا صفات بد را به عنوان صفات خوب جا می زند.

از آنجا که خشم و کینه و غضب و دشنام و تهمت فقط در آلفا تسکین می دهند و فقط در آلفا آرامش میاورند، پس فردی که در آلفاست به این صفات عادت می کند و هر وقت آرامش خود را از دست دهد، شروع می کند به این

صفات شیطانی. این است که در یک دور باطل می ماند و روز بروز به آلفای ساختگی خویش بیشتر عادت می کند. با گسترش صفات نیک و خدایی در نفس خود، براحتی به فضاهای ساختگی آلفا لگد بزنید و به خدا نزدیکتر شوید.

---

۳۶) شباهت جهنم با فضاهای ساختگی ذهنی

در فضای آلفا صدای شما بخدا نمیرسد. باید بیرون بیایید تا خدا بداد شما برسد.

طبق گفته خدای مهربان در قرآن، در جهنم ، مردم نمیتوانند خدا را صدا بزنند. همانطور که در آیه زیر می بینید کلمات دوزخیان به خدا نمی رسد . یعنی از نظر روحی در شرایطی به سر می برند که نمی توانند خدا را بخوانند و نمی توانند از خدا کمک بخواهند . در نا امیدی مطلق به سر می برند .

آیه قرآن : كلا انهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون

[۱۵:۸۳] درواقع، در آن روز، از پروردگارشان جدا خواهند بود.

البته خیلی از انسانها هم در زندگی فعلی ، شبیه شرایط جهنم را در این دنیـا برای خود ایجاد کرده اند. این که آلفا شباهتهایی در زجر کشیدن با جهنم داره، به این خاطر است که جهنم هم پر است از موجوداتی که آلفا را می گردانند. در هر دو محیط ، دعاها قابل قبول نیست. صدای دعا کنندگان بخدا نمیرسد زیرا کسانی که در آلفا هستند، از خدا کمک نمی خواهند. بلکه از

واسطه هایی مثل پول و بشر و امام و پیامبر استفاده می کنند.

---

۳۷) واسطه گری

بیشتر دعاهای مردم قابل قبول نیست زیرا مردم بجای درخواست واقعی و در خواست نیاز خود از خدا، از او واسطه طلب می کنند. مثلا کسی که خانه ندارد، از خدا نمی خواهد خدا به او خانه دهد، بلکه از خدا پول می خواهد تا خودش (!) با آن پول خانه ای بیابد. زیرا در

آلفا واسطه ها اهمیت پیدا می کنند و در نتیجه فرد همه چیز را در واسطه ها می بیند. مثلا کسی که زن و یا شوهر میخواهد، از خدا میخواهد که به او پول دهد تا با آن پول یک زن بگیرد. می بینید که آن فرد خواسته اش را از خدا نمیخواهد بلکه او چیز دیگری از خدا می خواهد. ممکن است آن پول را از دست دهد و به نیاز خود نرسد.

خدا هم او را به پول می سپارد. موسی بعد از فرار از دست فرعون سر به بیابان میگذارد و از خدا می خواهد :

رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر

[۲۸:۲۴] او برای آنها آب کشید، سپس در زیر سایه ای رفت و گفت: "پروردگار من، هر رزقی که برای من بفرستی، به آن شدیدا احتیاج دارم."

موسی از خدا آن چیزی را می خواهد که نیازش است. موسی از خدا پول نمی خواهد که بوسیله آن زندگیش را از سر گیرد. در نهایت موسی در یک روز دارای خانه و زن و شغل شد. بیشتر آدمها در آلفا به اشیائی مثل پول و قیافه و مقام و موقعیت و طایفه و ... اهمیت

می دهند و به این طریق حتی دعاهایشان هم انحرافی است.

---

۳۸) آیات قرآن شعر نیستند، بلکه برای دنیای واقعی هستند

آیات قرآن جملاتی هستند که شعر نیستند بلکه کلام خدا هستند. این گونه جملات آرامش دهنده است نه جملات مبهم و توهم زا و شعر .

این گونه جملات واقعیند و میتوانند در دنیای واقعی جوابگو و موثر باشند. اصلا قرآن برای رهایی بشریت از دست اشعار و جملات احساسی و آلفایی نازل شده است. اینها جملات واقعیند که با دنیای واقعی ما سازگارند. جملات قرآن برای یادآوری و خواندن است. برای این نیست که به آن تبرک بجویی. جملات قرآن، اگر عمل شوند؛ نه تنها انسان را به آلفا نمیبرد بلکه او را از آلفا نجات می دهد. به همین خاطر خدای

توانا بارها در قرآن اصرار دارد که قرآن شعر و جادو نیست.

هر چقدر که در آلفا بیشتر فرورفته باشید، بیرون آمدن مشکلتر است. مثل منجلابی است که در آن فرورفته باشید. دست و پازدن خرابترش میکند. کسی که در منجلاب زندگی میکند و فکر میکند که زندگی همان منجلاب است، انگیزه ای برای بیرون آمدن از منجلاب نداره. زیرا به او تلقین شده است که زندگی همین منجلاب است. بنابراین تلاشی برای بیرون آمدن نمیکند. در

نتیجه زنجیر میشود. بنابراین تلاش شیاطین براین است که به فرد بقبولانند که زندگی همین است و او را به سمت نا امیدی سوق می دهند.

برای بیرون آوردن فرد از منجلاب باید به او فهماند که زندگی طور دیگری است و در جای دیگری. باید به او فهماند که این زندگی نیست که او می کند و در عوض در زنجیر شیاطین بسر می برد. باید به او فهماند که محوطه آلفای ذهنی که او خود را در آن زندان کرده، در مقابل جهان واقعی هیچی

نیست. در واقع آلفا هیچی نیست. فقط تصورات دروغین است. که به وسیله شیاطین مهندسی و ساخته پرداخته میشوند.

---

۳۹) اصرار اجنه

تصاویر ساختگی ذهنی ، ساختارهای غیرواقعی ذهنی تعریف خوبی برای آلفایند. اشعار احساسی، نوشته های احساسی، رمانها، فیلمهای بی هدف و احساسی و فاقد تفکر ، بازیهای

کامپیوتری بی هدف همگی از ابزارهای اجنه اند برای بردن مردم به آلفا. اجنه اصرار زیادی بر به آلفا بردن مردم دارند زیرا این تنها راهشان است که آدمیان را کنترل کنند. اجنه فقط به آلفا دعوت می کنند، مجبور نمی کنند. انسانها خودشان قبول می کنند وارد آلفا شوند. اما اگر وارد آلفا شدند، دیگر دست خودشان نیست ، کنترل میشوند. مقدار کنترل بسته به مقدار عمق آلفا دارد. زرق و برقهای دنیایی، شهرت،

شهوت ، مقام ، و ... از جمله موارد فریب دهنده جهت جذب به آلفایند.

لطفا آیه های قرآن زیر را با دقت بخوانید و در آن تفکر کنید.

کهف، ۲۸، «وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِیِّ یُریدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُریدُ زینَةَ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطاً».

«و همراه با کسانی که هر صبح و شام پروردگارشان را می‌خوانند و خشنودی او را می‌جویند، خود را به صبر وادار. و

نباید چشمان تو برای یافتن زینتهای این زندگی دنیوی از اینان منصرف گردد. و از آن که دلش را از ذکر خود بی‌خبر ساخته‌ایم، و از پی هوای نفس خود می‌رود و در کارهایش اسراف می‌ورزد، پیروی مکن».

کهف، ۴۶، «الْمالُ وَ الْبَنُونَ زینَةُ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ الْباقِیاتُ الصَّالِحاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ثَواباً وَ خَیْرٌ أَمَلاً».

«دارایی و فرزندان پیرایه‌های این زندگانی دنیا است و کردارهای نیک که همواره بر جای می‌مانند نزد

پروردگارت بهتر، و امید بستن به آنها نیکوتر است».

---

۴۰) مهمترین ضرر آلفا در زندگی واقعی

از آنجا که تفکرات آلفایی با زندگی واقعی سازگاری ندارد، بعد از مدتی سلولهای مختلف بدن دچار بیماری میشوند و بعد از مدتی به یک بیماری واقعی در دنیای واقعی تبدیل میشوند. تا حالا ممکن است شنیده باشید که یکی

دچار بیماری خطرناکی بوده، اما بعد از تغییر روحیه و عمل، بهبود یافته و بعد از مدتی اثری از بیماری یافت نشده است. این بهبودها به این دلیل بوده است که فرد از آلفا خارج شده است و در نتیجه دچار بهبودی میشود. تعریف شفا در قرآن یعنی همین. خدا به قرآن می گوید شفا، زیرا قرآن کلام خداست و کلام خدا برخلاف کلام وحی شده توسط شیاطین، به آلفا نمی برد و در عوض از آلفا خارج می کند. به همین خاطر ، خدا به قرآن میگوید شفا.

(۴۱) تمارض

گاهی کسی که به آلفا رفته، احساس می کند که باید بعضی تفکراتش را به دنیای واقعی بیاورد و در آنجا بروز دهد. تمارض یا خود را به مریضی زدن. تمارض یکی از آثار آلفاست. از آنجا که فرد به آلفا رفته تنهاست و در دنیای واقعی زیاد پیدایش نیست، احساس می کند که باید یکجوری خودش را در دنیای واقعی مهم کند مثل سابق. به

همین خاطر خود را به مریضی می زند تا توجه اطرافیان را به خود جلب کند. ضرر تمارض فقط به جلب توجه اطرافیان ختم نمیشود، بلکه بعد از مدتی این تمارض به واقعیت میرسد و واقعا فرد دچار همان مریضی میشود. در واقع شیطان دشمن آدم سالم است و سلامتی آدم را نمی خواهد و با این حربه او را دچار یک مریضی می کند. بدون شک شیطان بزرگترین دشمن آدمی است.

۴۲) مشکلات روانی

خودت را آن فردی در ذهن نشان دهی که در واقعیت نیستی!

این باعث تضاد تفکرات با دنیای واقعی میشود ، در نتیجه به فرد فشار میاید و منطقش را بهم می ریزد. تضاد و اختلاف بین احساسات و واقعیت در وجود آدمی، باعث مشکلات زیادی از جمله کم رویی، تمارض ، احساس خجالت ، و ... میشود.

گاهی آلفا را دیگران برای شما میسازند. مثلا می گویند که آقای مهندس من را به نوکری قبول می کنی! او هم بعد از مدتی فکر می کند که واقعا کاره ای است. و همین او را به آلفا میبرد. به همین خاطر باید به آنچه که دیگران در مورد شما فکر می کنند، باور نداشته باشی و زیاد جدی نگیری. گاهی فرد به آلفا رفته، تلاش دارد که توجه همه اطرافیان را به خود جلب کند. هیچ کس نمی تواند تمام افراد را از خود

راضی نگه دارد. به همین خاطر این فرد دچار گسیختگی منطقی میشود.

---

۴۳) ترک آلفا

زندگی مثل جاده ای است که باید طی کنیم. اما در طول این جاده چاله هایی است که مردم را بخود جذب می کند. این چاله ها همان آلفایند. اگر مواظب نباشیم ، شیطان ما در یکی از این چاله ها گیر می اندازد. و اگر چاله را باور کنیم و فکر کنیم که این چاله همان

ادامه جاده است، دیگر بیرون بیا نیستیم. بهترین روش برای بیرون آمدن از آلفا این است که فرد به زندگی واقعی توجه کند . به آیات و نشانه ها توجه کند. به آن چه که هست توجه کند. نه به آنچه که در ذهن خود تصور می کند.

ممکن است اوایل سخت باشد زیرا کسی که به آلفا گرفتار شده باشد، ترک آن همراه سختی و رنج است. مثل یک معتاد که ترک اعتیاد برایش مشکل است ولی میتواند ترک کند. کافی است

که کمی بخود بیاید. گاهی باید عواملی که ما را به آلفا می برند را کنار گذاشت. اگر خیالات شما را به آلفا می برد، دیگر خیال نکنید. اگر نگاه کردن به بعضی فیلمها و گوش دادن به بعضی آهنگها شما را به آلفا می برد، نگاه نکنید، گوش ندهید. به همین راحتی. بعد از مدتی ریاضت و صبر ، خودبخود به دنیای واقعی بر می گردید. آدم باید آنی باشد که هست.

بیشتر مردم جهان از کارهای واقعی که در دنیای واقعی انجام میشود، بیشتر

خوششان می آید و به وجد می آیند.
وجد و نشاط و هیجان ناشی از واقعیات ، نشانگر این است که دنیای کنونی اهل عمل زیاد ندارد و نایاب است. مثلا یک ویدئو در یوتیوب که فردی در آن جان یک انسان و یا یک حیوان را نجات داده است، میلیونها بازدید کننده دارد. زیرا بیشتر مردم فقط حرف می زنند و عمل نمی کنند. عمل کننده کار خوب آنقدر کم است که نجات یک حیوان میلیونها بازدید کننده دارد. به زبان خیلی ساده آدمها در آلفا زنجیر و در نتیجه اسیر

میشوند. زنجیر هم لذتی است که اجنه به قربانیان القاء می کنند. آدمی به این لذت کاذب عادت می کند. برای رهایی از این اسارت باید زنجیر را پاره کند. یعنی باید لذتهای آلفایی را ترک کند.

---

۴۴) شاعر

در قرآن به کسی که فقط حرف می زند و عمل نمی کند، شاعر می گویند. عمل کردن به ایمان ، در رشد و ترقی روح آدمی بسیار موثر است. نفس آدمی فقط

با ایمان عمل شده، رشد و ترقی می یابد.

اگر کسی ناآرام بود، زود عصبانی شد، بد دهن بود، زود قضاوت کرد ، تعجیل در تصمیم گیری و ... نشان از در آلفا بودن اوست. احساس و منطق باید با هم باشند. فقط صرف احساسی فکر کردن، مشکلات زیادی را بوجود می آورد. مثلا زن و مردی با هم ازدواج کنند. مرد صرفا با احساسات هر شرطی را قبول کند؛ همین مورد باعث بوجودآمدن مشکلات زیادی برای او خواهد شد. و

همچنین اگر یک زن صرفا فقط با احساسات از تمام حقوق قانونی و شرعی خود صرف نظر کند، باز این هم قابل قبول نیست و در آینده بضررش تمام خواهد شد و باعث نابودی زندگیش میشود.

تمام این افراط و تفریطها از طرف شیطان است. اصلا شیطان برای پایین انداختن انسان از کشتی زندگی، آنان را تشویق به افراط و تفریط می کند. مثل کسی که سوار یک خر شده، برای پایین انداختن او از خر، باید سعی شود که او

را به طرف راست و یا چپ متمایل کرد. یعنی تعادل او را بهم زد. افراط و تفریط در احساسات و عمل باعث میشود که آدمی از مرکب زندگی پایین بیفتد.

ترحم و دلسوزی بیش از حد ، یک نوع افراط و تفریط است. برخلاف نظر اکثر مردم ، ترحم و دلسوزی بیش از حد یک نوع آلفاست. و قطعا آینده خوبی نخواهد داشت. بچه ای که با دلسوزی و ترحم بیش از حد بزرگ شده باشد، درست تربیت نخواهد شد و در آینده با مشکلات زیادی روبرو میشود.

هر چیزی متعادلش خوبه. افراط و تفریط جزو حربه های مهم شیاطین جهت بردن افراد به آلفاست. زمانی که انسانها در افراط و تفریط بسر برند و در آلفا زندگی کنند، در مرحله عمل هم ، امکانات بطور مساوی تقسیم نخواهد شد و باعث بی عدالتی میشود.

ان المبذرین کانوا اخون الشیطین و کان الشیطن لربه کفورا

افراط و تفریط کننده ها برادران شیطانند.

برادر بودن با شیطان یعنی این افراد خیلی نزدیک شیطانند و تقریبا مثل برادرند و از احساسات و اعمال و جیک و فیک هم خبر دارند. خدا در این آیه می فرماید که افراط و تفریط کننده ها کافرند و هم ردیف شیطانند.

---

۴۵) منیت

اگر یک لیوان آب از یک چشمه بنوشید، بسیار لذت بخش است زیرا در حین نوشیدن آب شکر خدا می گویید و

نشانه های خدا را بیاد میاورید. اما اگر همین آب را از یخچال خانه بنوشید، آنچنان لذت بخش نیست. زیرا یخچال را از آن خود می دانید و به "من" خود فکر می کنید.

به همین خاطر خدا می فرماید که خدا را زیاد یاد کنید و منظورش این است که همه نعمتها را به خدا نسبت دهید تا از دست "من" نفس نجات یابید. این یکی از مواردی است که برای مبارزه با آلفا خیلی بدرد بخور است.

۴۶) آلزایمر و ام اس

خواندن زیاد جملات احساسی و عاشقانه که این روزها در اینترنت رایج است، بسیار در آلفاشدگی افراد موثر است. بعد از مدتی فرد به این نوع جملات عادت میکند و اگر روزی نخواند، احساس بیماری میکند. بیماری ناشی از کم خواندن جملات احساسی! این دقیقا یعنی فرد به آلفا رفته است و خودش خبر نداره.

این کار سبب پرکاری سمت راست مغز (احساس و توهم) و کم کاری سمت چپ (منطق و عمل) میشود. بعد از مدتی فرد به آلزایمر و ام اس مبتلا میشود. ام اس و آلزایمر و بعضی بیماریهای دیگر نتیجه فربه شدن احساسات و توهم و به حداقل رسیدن منطق و عمل است.

در واقع آدم را در زندگی واقعی و عملی، از هر نظر زمینگیر میکند. وقتی فرد در آلفا بسربرد و به تصویرسازی بپردازد، در دنیای واقعی به بن بست میخورد و زمین گیر میشود.

۴۷) راه نجات از اجنه و شیاطین

مهم: کسانی که در آلفا بسر می برند، اهمیت نماز را درک نمی کنند و به همین خاطر نسبت به نماز سهل انگاری می کنند.

فضای آلفا نا امید کننده است زیرا محدود است و تمام نیازهای یک فرد را برطرف نمی کند ، به همین خاطر کفر

می آورد. زیرا عاقبت نا امیدی کفر است.

خدا می فرماید که هرگاه شیطان تو را وسوسه کرد به خدا پناه ببر. پس راه بسیار خوب پناه بردن به خداست. تنها راه خارج شدن از آلفا و نرفتن در آن، پناه بردن به خدا ست. آلفا جوریه که همیشه آدم امکان داره تو محوطه اش قرار بگیره . باید راه نرفتن به داخلش (که همان پناه بردن به خدا ست) انجام شود. استعاذه یعنی پناه بردن. انگار که خودت را در پناهگاهی می گذاری تا

تیر هایی که به سمتت میاید بهت نخورد.

این پناه گاهها چیه؟ تحت حمایت و سایه و پادشاهی خدا قرار بگیری.

چطوری تو سایه خدا قرار بگیری؟

باید طبق سیستم خدا عمل کنی تا تحت حمایت او قرار گیری. باید قوانینش و دستوراتشو بپذیری و اجرا کنی. باید در ملک و پادشاهی خدا قرار گیری . پادشاهی خدا (ملک خدا) یعنی طبق سیستم خدا عمل کنی. اگر طبق

دستورات خدا عمل کنی، خیالت راحته از بابت شیاطین.

در پادشاهی خدا ، شیطان قدرت چندانی ندارد، فقط یک مزاحم است که براحتی دک میشود؛ زیرا همه چیز متعلق به خدا است. اعمال و رفتار و گفتار، متعلق به خدای واحد است؛ خدای دیگری در کنار او نیست.

آیه قرآن: پادشاه، مقدس ترین، صلح، مؤمن ترین، مافوق، صاحب اقتدار، قدرتمندترین، برجسته ترین. تجلیل

خدای را؛ بسیار بالاتر از آنکه شریکانی داشته باشد.

از شیطان و خطرات و حیله های او باید گفت . اما در مقابل باید از بزرگی و قدرت و پادشاهی خدا هم صحبت کرد. گاهی مواقع برای امان ماندن از شیطان باید به خدا نزدیک شد. این بهترین روش است.

آیه قرآن: وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

هرکی از خدا دوری کنه و دستوراتشو عمل نکنه و او را یاد نکند، شیطانی همراه او خواهد بود. همراه بودن شیطان با یک انسان، یعنی آن فرد آرام و قرار نخواهد داشت و شب و روز در معرض حیله های شیطان حیله گر قرار خواهد گرفت.

برای دوری از این همه ترس و استرس، باید سعی کرد به خدا نزدیک شویم تا شیطان مدام به ما حمله نکند و آرامش ما را به هم نزند. از آنجا که شیطان مدام در انسان شک و اضطراب و ترس

بوجود می آورد، فرد روی آرامش نخواهد دید. تنها راه اینه که مدام خدا را در نقطه به نقطه زندگی در ۲۴ ساعت در نظر بگیرید.

شیاطین با افسانه های گذشتگان مردم را مشغول می کنند. در حالی که واقعیات آنطور صاف و ساده نیست که شیطان تعریف می کند. شیاطین در واقعیت فکر نمی کنند بلکه در خیالات بسر می برند. شیاطین کاری می کنند که کارهای خیالی بزرگ شوند. آنان کاری می کنند که مردم به ظاهر آنچه

میشنوند بیشتر توجه کنند. آنها فقط به چیزهای این دنیا که برای آنها قابل دیدن است اهمیت می دهند، در حالی که به کلی از آخرت غافل هستند.

---

۴۸) علت اصلی بت پرستی

شاید تعجب کنید بگویم که کسانی که بت می پرستند، در اصل این کار را برای خدا انجام می دهند! یعنی آنها حتی می گویند بت پرستی برای رسیدن

بخداست. زیرا افرادی که بخدا و به غیب ایمان ندارند، توسل به یک موجود قابل لمس و مادی برایشان مطمئنتر است تا توسل به خدایی که غیبه و قابل دیدن نیست.

پس بت پرستی ناشی از عدم ایمان به غیب است.

انسانهایی که نمی خواهند تسلیم دستورات خدا شوند، با اختراع واسطه بین خود و خدا، راه فراری برای دوری از خدا و دستورات خدا می یابند.

مثلا کسی که گناه زیاد کرده و نمی خواهد توبه واقعی کند، برای خلاصی از عذاب وجدان این گناه، به واسطه ها پناه می آورد . البته خودش می گوید: غیر مستقیم به خدا پناه می برد و از طریق واسطه این کار را می کند.

این فرد با این کار به خودش و اطرافیانش می قبولاند که یک فرد دیگری شده است ولی در اصل به هیچ عنوان تغییری در خود بوجود نیاورده است. زیرا اگر واقعا نیت داشت تغییری

در خود بوجود آورد و توبه کرده بود، خودش مستقیم به خدا پناه می برد.

توسل و شفاعت به غیر خدا بهترین روش برای جذب و سرکارگذاشتن افراد گناه کار است. در حالی که همه بخششها از طرف خدای متعال است و همه نیازمند اویند.

فرد گناه کار برایش خیلی راحت تر است که به غیر خدا پناه ببرد . او از اینکه به خدا پناه ببرد، می ترسد. زیرا برگشت به سمت خدا فقط یک نکته می خواهد و این نکته برای افراد گنهکار

بسیار مشکل است و برای توبه کنندگان واقعی بسیار ساده است. آن نکته اخلاص است.

مخصوصا غیر خدایی که هیچ صدایی از او در نمی آید و اصلا جان هم نداره، حتی اگر مگسی از او چیزی برباید، نمی تواند پسش گیرد. این چنین واسطه بی زبانی ، ناشنوا یی خیلی خوب است برای کسی که بخواهد خودش را سر کار بگذارد.

مثلا کسی که به پول و مال دنیا به عنوان واسطه پناه میاورد و سعی می کنه تمام

نیازهایش را بوسیله پول استخراج کند، به نوعی نسبت به خدا اعلام بی نیازی می کند.

ان الانسان لیطغی ان راه استغنی

(به یقین انسان طغیان می کند، از اینکه خود رابی نیاز ببیند)

---

۴۹) دعا از طریق واسطه در آلفاست

کلا کسانی که بخدا ایمان ندارند، از درخواست مستقیم از خدا به بهانه های مختلف اجتناب می کنند. توسل به غیر خدا عیب بسیار بزرگ و دروغ بسیار بزرگی داره که خیلی مهم است:

کسانی که به غیر خدا توسل و شفاعت می جویند، می گویند که ما برای نزدیک تر شدن بخدا به غیر خدا توسل می کنیم. اما در عمل می بینیم که اگر فردی از غیر خدا توسل بجوید و از او کمک بخواهد، در نهایت محبتش نسبت

به فرد توسل شده بیشتر میشود نه محبتش نسبت به خدا.

این همان سوال بزرگی است که توسل کنندگان راه فراری از آن ندارند. بعد از مدتی فرد توسل شده (که در اوایل فقط برای برای نزدیک تر شدن به خدا خوانده میشد) به یک جنتلمن و بت در نزد توسل کننده تبدیل میشود. یعنی نهایت توسل به غیر خدا، بت پرستی و فراموشی خداست.

بسیار ساده لوحی است که فکر کنیم فردی که به غیر خدا متوسل میشود ،

بعد از مدتی دل از این توسل شده می کند و به خدا نزدیک میشود. در واقع فرد بجای نزدیک شدن به خدا ، به بت خودساخته خود نزدیک میشود. در فضای آلفا ، افراد به جای خواندن مستقیم خدا، غیرخدا را می خوانند . به همین خاطر صدایشان به خدا نمی رسد و دعاهایشان برآورده نمیشود. کسی که بخواهد دعایش اجابت شود باید دو شرط ساده را رعایت کند:

۱- خواسته اش را صادقانه از ته دل بخواهد.

۲- مستقیم از خود خدا بخواهد و به خود خدای متعال رجوع کند.

---

۵۰) بزرگترین حیله شیطان در طول تاریخ

به نوشته یکی از مدافعان توسل توجه کنید:

"در توسل به مظاهر دینی و پیامبران و ائمه بزرگوار دین به هیچ وجه متوسل ، تصور نقش الوهی و ربوبی در مورد آن

ها ندارد . آن ها را در تاثیراتی که انتظار دارد، مستقل از خدای متعال نمی داند و نمی بیند. اگر به قرآن و پیامبر و ائمه متوسل می شود ، اولا به امر خدا و ثانیا با این نگاه است که آن ها وسیله اند برای تقرب بیش تر به درگاه الاهی . در وسیله بودن و تصرف داشتن مستقل نیستند . هر کاری انجام می دهند ،به اذن و به واسطه قدرت الاهی است."

تمام دلیل او در این دو کلمه خلاصه میشود : توسل برای تقرب به خدا

یعنی راهی که هدفش تقرب به خدا اعلام میشود، بعد از مدتی آنان را فرسنگها از خدا دور می کند. به این می گویند راه شیطانی. به همین خاطر از هر راهی نمی توان بخدا نزدیک شد. فقط راه مستقیم ، مجاز است. این ایده که می گوید رفتن به سمت خدا راههای گوناگونی دارد، گمراه کننده است. خیلی از راهها سر از شرک و بت پرستی در می آورد. زیرا بیشتر راهها مدعی هستند که برای تقرب بخداست. اما سر از آلفا در میاورند.

گاهی فردی اعمالی را در آلفا جهت تقرب به خدا انجام می دهد و فکر می کند بخدا نزدیکش می کند. در آلفا نمی توان خدا پرست شد و خدا را پرستید. به همین خاطر افراد داخل در این محوطه توسل را بکار می برند تا که از آلفا پلی بزنند به سمت خدا. در حالی که از آلفا راهی به سمت خدا نیست و در عوض راه به سمت اجنه است. توسل یعنی راهی از آلفا به سمت واقعیت و از آنجا به سمت خدا.

مشرکین مکه فکر می کردند که صاحبان مجسمه ها را می خواندند. صاحبان آن مجسمه ها ملائکه و صالحین بودند. اما خدا می گوید که آنان خدا را نمی خواندند بلکه اجنه را پرستش می کردند. در حالیکه مشرکین مکه ، قصدشان از بتهای خانه کعبه، توسل و شفاعت از ملائکه و صالحین به درگاه خدا بود(هوءلاء شفعنا عندالله) . اما خدا در جواب می گوید که آنها جنها را می خواندند و خود خبر نداشتند.

[۳۴:۴۰] در روزی که او همه آنها را احضار کند، به فرشتگان خواهد گفت: "آیا این مردم شما را می پرستیدند؟"

[۳۴:۴۱] آنها جواب خواهند داد: "تجلیل تو را. تو مولا و سرور ما هستی، نه آنها. درعوض، آنها جن ها را پرستش می کردند؛ اکثرشان به آن ایمان داشتند."

در آلفا همه چیز تصنعی است. حتی صاحبان مجسمه هم که خوانده میشوند و به آنان توسل میشود، نمی شنوند و همه اش سرکاری است. در عوض اجنه

خود را جای صالحین و ملائکه جا می زنند.

وقتی انسانی یک مدعو غیبی غیر خدا را به کمک می گیرد، از آنجا که این فرد در آلفا سیر می کند، توسط اجنه کنترل و اجنه خود را جای آن فرد غیبی جا میزنند. این است که از آلفا راهی و یا پلی به سمت خدا نیست. باید از آلفا بیرون آمد.

البته خدا برخلاف تفکر عموم مردم، غیبی نیست. بلکه خدا از هرکسی به ما نزدیکتر و قابل درکتر و ملموستر است.

خدا حتی از خود ما به ما نزدیکتر است.
خدا از رگ گردن به ما نزدیکتر است.

خیلی بی معنی است با وجود موجودی به این نزدیکی و مهربانی در کنار ما، از موجودات دیگری درخواست کمک کنیم و بسیار باعث تاسف است که به درگاه غیر از خدا دعا کنیم. اگر چنین چیزی اتفاق بیفتد، مشخص میشود که فرد در واقعیت بسر نمی برد و در تفکرات آلفایی خود غرق شده است. فقط در آلفا افراد و یا موجودات دیگر از خدا مهربانترند. چه کسی خدای به

این نزدیکی را حس نمی کند الا کسی که پرده ای به اسم آلفا جلو قلبش را گرفته باشد.

---

۵۱) هیپنوتیزم

هیپنوتیزم یک آلفای عمیق است. کسانی که هیپنوتیزم شده اند، بعد از بیداری اقرار کرده اند که سرشان سنگین شده است و سرشان درد می کند. چرا؟

هیپنوتیزم یک وضعیت روان شناختی و فیزیولوژیک خاص است که در این حالت وضعیت هوشیاری فرد تغییر پیدا می‌کند و با هوشیاری معمولی متفاوت است. بیشتر شبیه خواب است اما با خواب فرق می‌کند زیرا فرد هوشیار است ولی هوشیاری او فقط در یک حیطه متمرکز شده است. ویژگی عمده این وضعیت کاهش پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های بیرونی و افزایش تلقین‌پذیری اوست. هیپنوتیزم‌کننده از همین وضعیت تلقین پذیری استفاده

می‌کند و یکسری القائاتی را به فرد می‌دهد و این کاملا دست هیپنوتیزم کننده است که هوشیاری فرد را به چه سمتی هدایت کند. علت تلقین پذیری بیش از حد فرد در این حالت به این دلیل است که محرک‌های پیرامونی کمترین تاثیر را روی او دارند .

مهمترین نکته در هیپنوتیزم:

ویژگی عمده این وضعیت کاهش پاسخ‌دهی فرد به محرک‌های بیرونی و **افزایش تلقین‌پذیری** اوست.

۵۲) شباهتهای هیپنوتیزم و آلفا

از آنجا که هیپنوتیزم خود نوعی آلفای عمیق است، پس میتوان بین حالت آلفا و هیپنوتیزم شباهتهایی پیدا کرد. توجه به این شباهتها، درک بیشتری از آلفا به شما می دهد.

۱- افزایش تلقین پذیری ۲- کاهش عکس العمل نسبت به دنیای واقعی

برای هیپنوتیزم کردن یک فرد از همین دو عامل استفاده میکنند. به این طریق که توجه و تمرکز فرد را به یک چیز خاص جلب می کنند، مثلا یک ساعت گردان و یا یک آهنگ خاص و یا یک فیلم احساسی؛ به این طریق توجه فرد نسبت به چیزهای دیگر کم شده و فقط به ساعت گردان و هیپنوتیزم کننده توجه می کند و در این حالت تلقین پذیری او بالا می رود.

انسان هم به این طریق خود را در دام آلفا می اندازد. بطوریکه به یک زینت

دنیایی تمرکز خاصی کرده و در نتیجه ذهن و فکر خود را به آن زینت مشغول کرده و خود را در اختیار وسوسه کننده (اجنه) قرار می دهد. در آن صورت اجنه راهی برای ورود و کنترل مغز فرد پیدا می کنند. از آنجا به بعد ۲+۲ نمیشود چهار!

فرقی که آلفا با هیپنوتیزم دارد، این است که خطر هیپنوتیزم بسیار کمتر از آلفاست. زیرا در آلفا هیپنوتیزم کننده شیطان است و در هیپنوتیزم، یک انسان

که ممکن است هدف بدی از آن کار نداشته باشد.

تلقیناتی که در حین هیپنوتیزم به فرد گفته میشود، در او تاثیر خواهد گذاشت. بزرگترین ترس و واهمه در رابطه با هیپتوتیزم این است که هیپنوتیزم کننده شما را وادار به انجام اعمال پست و غیر اخلاقی نماید. اما در مورد آلفا، قطعا اجنه تلقین کننده اعمال پست هستند و لا غیر.

در هیپنوتیزم فرد با رضایت و اراده و اختیار خود هیپنوتیزم می شود و خود را

در اختیار هیپنوتیزم کننده قرار می دهد. حتی در مرحله ۱و ۲ می تواند خود را بیدار کند . ولی اگر مراحل بالاتر باشد و خلسه عمیق تر دیگه نمی تواند و توانایی بیرون آمدن ندارد، مگر با تلقین هیپنوتیزم کننده و یا اینکه بعد از یک مدتی خودش از خواب بیدار شود (که ممکن است موجب ضربات روانی به فرد بشود). در دنیای واقعی هم همین طور انسان در ابتدا با اختیار و اراده خود دوست دارد که به آلفا برود ولی نمی

داند که در آلفای عمیق تر دیگر بیرون آمدن بسیار بسیار سخت است.

یکی از راههای نرفتن به آلفای عمیق همان قدم اوله که باید از مسئله دور شد . و نزدیکش نشوی. کودکان به مراحل عمیق خلسه نمی روند. زیرا کودکان در واقعیت زندگی می کنند و پاکند. اکثر کسانی که می خواهند یک مشکل روانشناسی حل کنند . اگر خودشان از حل آن عاجز باشند از یک نفر می خواهند که آنها را هیپنوتیزم کرده و بهشان تلقین کند تا از اون عادت و یا

مشکل نجات بیابند. زیرا اونها فکر می کنند که دیگر خودشان نمی توانند جلوی اون مشکل را بگیرند و به کسی دیگر پناه می برند. از خودشان نا امید هستند.

می خواهند کسی دیگر کارشان را درست کند البته این هم نوعی تغییر آلفا است یعنی مداوا واقع نشده بلکه تغییر آلفا صورت گرفته است.

براساس آموزه های قرآن ، تنبلی گناه بزرگی است. جالبه بدانید که بسیاری از انسان ها به دنبال نیروهایی هستند که

خود بخود همه چیز را حل کند و تلاش نکنند. ولی در واقع باید برای نجات یافتن تلاش کرد. تلاش یعنی عمل و حرکت. (لیس للانسن الا ما سعی)

بسیاری از اشخاص که خصوصا بار اول توسط کسی هیپنوتیزم می شوند، شک دارند که هیپنوتیزم شده باشند. این افراد غالبا پس از خروج از حالت هیپنوتیزم می گویند: "من بیدار بودم! من خواب نبودم!"

کسانی هم که در آلفا فریب شیطان را میخورند و گناه می کنند، برای دفعات

اول احساس قدرت می کنند و فکر می کنند فریب نخورده اند. تا بعد که زنجیر میشوند.

کسانی که هیپنوتیزم میشوند و در مرحله خلسه وارد میشوند، باید بوسیله هیپنوتیزم کننده با گفتن کلمات و تلقین از این مرحله خارج شوند والا فرد تا مدتها دچار گیجی و خواب آلودگی است.

اما اجنه که افراد را وارد آلفا می کنند، قصد خارج کردن افراد از آلفا را ندارند، بلکه آنها دوست دارند انسانها در همان

آلفا بمانند. به همین خاطر افراد گناهکار همیشه احساس گیجی، سردرد و رنجش و ناشکری می کنند.

برای التیام اینها، فرد مجبور است که دوباره به همان آلفا پناه برد. آلفا نقش مسکن دارد برای فریب خوردگان.

مهم: در هیپنوتیزم گاها شده که فرد را به گذشته برده و خاطرات تلخ گذشته را به او یادآور شده و فرد دچار اضطراب و ناراحتی و رفتارهای غیرقابل کنترل شده است. از آنجا که آلفا دست شیاطین است، در یادآوری خاطرات تلخ

و برانگیختن کینه، خشم ، عصبانیت و تلقین نا امیدی از هیچ چیزی کوتاهی نمیکنند.

همان طور که قبلا هم بیان شد، شما به هیچ وجه در حالت هیپنوتیزم ارتباط خود را با اطراف به شکل کامل از دست نمی دهید. به عبارت ساده تر شما صدا را می شنوید؛ اما توجه تان به آن صدا کاهش می یابد. برای مثال ممکن است شما هنگام حرکت در خیابان میلیون ها صدا و تصویر را ببینید؛ ولی آیا به همه آنها توجه می کنید؟ در حالت هیپنوتیزم

نیز صداها شنیده می شود؛ اما میزان توجه مغز به صداهایی که نیازی به توجه ندارند، کم می شود.

این تمام راز هیپنوتیزم است که دقیقا درمورد آلفا هم صحت دارد.

همانطور که برای بعضی از بیماریهای جسمی مثل سرطان، مجبورند از داروهای مخدر استفاده کنند؛ ممکن است که هیپنوتیزم برای درمان بعضی از بیماریهای خطرناک روانی بتواند استفاده شود. البته فقط حکم یک مسکن را دارد.

۵۳) بصیرت و دانایی نسبت به حیله های شیطان

چطوری متوجه شویم که شیطان دارد ما را به آلفا می برد؟

إِنَّ الَّذينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ

کسانی که تقوا پیشه می‌کنند، هنگامی که وسوسه‌های شیطانی ایشان را احاطه

کند، (خدا را) به یاد آورند، و به ناگاه بصیرت یابند.»(اعراف ۲۰۱)

نکته کار اینجاست: مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّیْطانِ

یعنی طایفه ای از شیطان انسان را مس کرد. یعنی تماس گرفت. یعنی وقتی به یک عمل شیطانی فکر می کنی و یا نگاه می کنی، در واقع با شیاطین در حالت "مس" قرار داری. یعنی دقیقا با هم در تماسی! در این حالت است که باید فورا خدا را بیاد بیاری تا دوباره از حالت آلفا

خارج شوی و دوباره "بصیرت" پیدا کنی.

تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ

براساس آیه بالا ، کسی در آلفا ست ، دیگر بصیرت ندارد. بصیرت قرآنی، حالتی است که به انسان، توانایی درک درست حقایق را میدهد.

معانی قرآنی بصیرت:

یقین : (أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ) (یوسف: ۱۰۸) پیامبر در این آیه اعلام می دارد که با یقین و اطمینان و از روی

بصیرت کامل (نه در توهم و احساسات)
، به خدا دعوت می کند.

آگاه: (بَلِ الْإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ) (قیامت: ۱۴) بلکه انسان بیشتر از هرکس دیگری بر نفس و من واقعی خویش آگاهی دارد. یعنی انسان هیچوقت من خود را فراموش نکند و دچارخیالات نشود و برای خود شخصیت خیالی نسازد.

دلایل و مدارک: (قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ) (انعام: ۱۰۴) دلایل و استدلال و

مدارک یکی از مهمترین روشهای مبارزه با توهمات آلفاست.

مشرکان در حین اینکه سخنان پیامبر محمد را گوش می دادند، اما بصیرت نداشتند. یعنی در همان لحظه که سخنان حق را می شنیدند، در آلفا بودند. وَتَرَاهُمْ ینظُرُونَ إِلَیک وَهُمْ لاَیبْصِرُونَ.) (اعراف: ۱۹۸)

آیات و نشانه های خدا مهمترین عامل در مبارزه با آلفاست.

صفات پیامبران اولی الابصار بوده است (واذکر عبدنا... اولی الایدی و الابصار) .
یعنی ضد آلفا.

اما مهمترین عامل تقواست (یعنی ترس از خدا) إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيطَانِ تَذَكرُوا فَإِذَا هُم مُبْصِرُونَ) (اعراف: ۲۰۱)

در اینجا مخالف بصیر، اعمی یعنی کور است. (مَثَلُ الْفَرِيقَينِ كالْأعْمَى وَالْأصَمِّ وَالْبَصيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يستَوِيانِ مَثَلاً أفَلاَ تَذَكرُونَ) (هود: ۲۴) یعنی کسی که در آلفاست مثل کور میماند که واقعیتها را

نمی بیند و نسبت به دنیای واقعی و حوادث آن بی تفاوت است. اقوام عاد و ثمود و نوح که پیامبران خویش را مسخره می کردند، بخاطر در آلفا بودن بود، زیرا آنها در آلفای خویش غوطه ور بودند و نسبت به دنیای واقعی بی تفاوت بودند. آنها خطرات عذاب در دنیای واقعی را احساس نمی کردند ، زیرا آنها نسبت به دنیای واقعی کور بودند.

در قیامت جهنمیان از اینکه در آلفا بسر می بردند تاسف میخورند و میگویند که امروز همه چیز روشنه (بصرک الحدید).

این هم آیه: لَقَدْ كنتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هذَا فَكشَفْنَا عَنک غِطَاءَک فَبَصَرُک الْيوْمَ حَدِيدٌ) (ق: ۲۲)

---

۵۴) بیماریهای فکری

گاهی اوقات فکرهایی در ذهنمان نفوذ می‌کند که هیچ تمایلی به فکر کردن به آنها نداریم بلکه به اجبار دچار آنها

می‌شویم . این افکار ناشی از دوگانه بودن شخصیت فرد دارد، یعنی یک پایش تو آلفا و پای دیگرش در واقعیت است. وسواس فکری یکی از این نشانه هاست که بمرور منطق را از مغز می گیرد و مغز را سر در گم می کند.

عدم تمرکز یکی از نشانه های آلفا رفتگی است. بی هدفی یکی دیگر از نشانه هاست. تنبلی هم یکی از نشانه هاست. کسانی که به آلفا میروند، منطق آنان به آنها دروغ میگوید.

اگر اختلال وسواس فکری عملی داشته باشید ، سیستم هشدار دهنده در مغزتان به طور صحیح کار نمی کند . مغزتان هشدار می دهد که در خطرید ، در حالی که این گونه نیست ، این یعنی وسواس. مهمترین ضرر وسواس، اسراف است در مصرف آب، نان ، غذا و ...

چند نمونه وسواس:

ترس از بهداشت محیط که گاهی فرد را کلافه می کند.

ترس از نداری

ترس از بیماری

ترس از موجودات غیبی و ماورایی

و...

تمام این وسواس ها نهایتا به مریضی های جسمی تبدیل میشوند. در واقع آلفا بعد از مدتی آدم را مریض میکند. به طور جدی ، شیطان بدنبال ایجاد مشکل و گسترش بیماریها در جهان است.

---

۵۵) یاد خدا

شیطان وسوسه هایش را مستقیم انجام نمی دهد و پنهانی و در یک قالب دیگر انجام می دهد. یعنی شیطان مستقیم نمی گوید که برو دزدی کن. شیطان در وسوسه خود را خوب و امین معرفی می کند. شیطان جهت فریب آدم و حوا گفت: (اَنا لَکُم ناصِحٌ اَمین / من برای شما خیرخواهی امین هستم)

حتی برای آنها بخدا قسم هم خورد!

(وَ قاسَمَهُما اِنّی لَکُما لَمِنَ النّاصِحین / شیطان قسم خورد که من خیرخواه شما هستم...سوره اعراف، آیه ۲۱).

و حتی گاها طی دستورات خدا و بنام خدا وسوسه می کند.

خدا در مورد شیطان و وسوسه هایش از عبارت مس استفاده می کند نه لمس و مسح! چرا؟

خدا در آیه إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ از مس استفاده می کند.

همچنین در لایمسه الا المطهرون

این نشان می دهد که مس برای تماس معنوی است و لمس و مسح برای تماس مادی. یعنی تماسی که شیطان با انسان

دارد، معنوی است و تمام وسوسه ها در ذهن صورت می پذیرد.

چرا بیشتر مردم میخواهند که احساسات ناشی از تاثیر آلفا را در واقعیت بروز دهند؟ مثلا بعد از فرورفتن در یک حس مظلوم نمایی گریه می کنند. زیرا دوست دارند که دیده شوند. این افراد کمبود شدید دیده شدن دارند. چرا دیده شوند؟ برای اینکه کسی در واقعیت بیاید و آنها را نجات دهد از چاله آلفا (البته

خودشان این را نمی دانند و اعتراف هم نمی کنند).

---

۵۶) احساسات واقعی همراه با تفکر و تعقل و یاد خدا است

بعد از این همه مطالب که عرض شد، من منکر احساسات واقعی ناشی از خشیت الهی نمیشوم.

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَن خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا این احساسات واقعی است که در سوره مریم آیه ۵۸ گفته شده است؛ که بخاطر آیات الهی است. در مورد آیات الهی باید احساسات خود را بروز داد و نباید مستکبر بود:

[۱۹:۵۸] اینان برخی از پیامبران هستند که خدا به آنها نعمت داد. آنها از میان نوادگان آدم و نوادگان کسانی که با نوح انتقال دادیم و نوادگان ابراهیم و اسراییل و از میان کسانی که آنها را هدایت کردیم و برگزیدیم، انتخاب

شده بودند. هنگامی که آیات بخشنده ترین برای آنها خوانده می شود، گریه کنان به سجده می افتند.

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُواْ الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا

[۱۷:۱۰۷] اعلام کن: "چه به آن ایمان بیاورید و چه ایمان نیاورید، کسانی که به دانش کتب آسمانی پیشین دست

یافته اند، چون بر آنان خوانده شود، سجده کنان، بر چانه هایشان می افتند.

اینها احساسات واقعی هستند که همراه با تفکر در نشانه ها و آیات الهی است و در نتیجه به نوعی ذکر خداست. همانطور که گفته شد نباید احساسات ناشی از خشیت الهی و آیات خدا را خفه کرد و باید بروز داد. کسانی که این کار را نکنند و در ابراز احساسات نسبت بخدا غرور بخرج دهند، مسکتبر نامیده میشوند.

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

اینکار باعث میشود که نیاز افراد در احساسات به فضای آلفا از بین برود و در نتیجه فرد جذب اشعار و فضای آلفا نشود.

---

۵۷) عادت و عبادت

صفات بد که در کانال آلفا در شخص ایجاد میشود و در دنیای واقعی اجرا

میشود ، مثل عصبانیت، کینه، خشم، تهمت ، دشنام و... در نهایت باعث بهم خوردن تعادل جسمی فرد شده و مریضش می کند. زیرا صفات بد و شیطانی با شرایط جسمی ما سازگار نیستند. مثل ضرر خوردن غذای گندیده است برای بدن.

عبادتهایی که بعد از مدتی انسان نسبت به آن بی توجه میشود به یک عادت روزانه تبدیل میشود . در این حالت عبادت فقط یک عادت است و بجای نجات انسان از آلفا ، او را به آلفا میبرد.

عبادتهای قالبی، انسان را به آلفا می برد هر چند نام مذهب را یدک بکشد. بعضی از مکاتب عرفانی جدید که اکثرا برگرفته از عرفان شرقی هستند، متاسفانه مدیتیشن را به عنوان عبادت معرفی می کنند. در حالی که این نوع مدیتیشن همان آلفاست. یک عبادت بدون تفکر است. عبادت بدون تفکر و در خلاء همان آلفاست.

در واقع و بطور خلاصه آلفا تونل زمان است بین انسانها و اجنه که برای ارتباط با هم استفاده می کنند. آلفا یعنی محیط

فحشا و منکر. زیرا قوانین اجنه حاکم است. بهمین خاطر خدا در مورد نماز می گوید که نماز بازدارنده فحشا و منکر است.

ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر

انسانی که از آموزه ها و تجربیات قبلی خودش استفاده نکند، در آلفاست و خودش خبر ندارد. زیرا آدمی فقط در آلفا درجا می زند . آلفا یک چاله ست و پیشرفتی در آن نیست.

بعضی مواقع در آلفایی ولی فکر می کنی در آلفا نیستی! یحسبون انهم مهتدون

کسانی که در کانال آلفایند، به چیزهایی که واقعا مهم است، اهمیت نمی دهند و یا کم اهمیت می دهند. آنها به چیزهای بی اهمیت می پردازند و وقت خود و دیگران را تلف می کنند. انسان صرفا بوسیله ذهن نمی تواند از آلفا بیرون آید. بلکه باید عمل کند. احساسات و توهمات مرکب و اسب شیطانند. شیطان

از طریق اینها وارد نفس انسان میشود و کنترل را در دست می گیرد.

خاصیت عمل حرام این است که تو را به آلفا می برد. ولی همان عمل، حلالش به آلفا نمی برد. وقتی بدانی که یک عمل حرام انجام می دهی، خودبخود در آلفا هستی ولی خبر نداری! وقتی یک عمل حرام انجام می دهی، از قبلش در آلفا هستی.

---

۵۸) نیاز کاذب

از آنجا که فضاهای آلفا، واقعی نیستند باعث نیازهای کاذب و غیر واقعی هم می شوند. وسواس حرف زدن ، حساسیتهای بی مورد، وسواس خرید، وسواس نظافت و... همه ناشی از مشکلات آلفایی است. اسراف ،تبذیر،زیاده روی در هر چیزی نشان از تاثیر گرفتن از کانال آلفا دارد. نیازهای خدادادی که خدا درنهاد انسان قرار داده، هیچ وقت در آلفا برطرف نمی شود، بلکه عطش فرد بیشتر می شود. یعنی افراد در فضاهای آلفا هیچ وقت

به لذت واقعی نمی رسند و نخواهند رسید.

---

۵۹) تنها حالتی که خدا دستور به نماز نخواندن می دهد

خدا می فرماید : لا تقربوا الصلوه وانتم سکاری ؛ یعنی نباید در حالت آلفا (مستی ، خماری ، توهمات، احساسات) نماز به جای آورد. به این طریق صراحتا

خدا دستور می دهد که در حالت آلفا نباید نماز خواند و این تنها جایی است که خدای متعال دستور به نماز نخواندن می دهد. زیرا نماز در حالت آلفا سبک و بی فایده است.

فرد جهت ارتباط با خدا باید خود را از حالت آلفا خارج کند و در حالت آگاهانه به سر برد و الا صدای او به خدا نمی رسد. شما نمی توانید ادعای خوبی کنید وقتی که در حین انجام کار بدی هستید. شما نمی توانید خدا را مخاطب قرار دهید زمانی که به یک خدای دیگر

ایمان دارید. شما نمی توانید با خدا صحبت کنید زمانی که به یک فضای غیرخدایی ایمان دارید. هیچ کس نمی تواند بگوید که من مشروب الکلی را صرفا جهت تفریح مینوشم، در عین حال به مشروب و حالتی که مشروب در او بوجود می آورد ،ایمان نداشته باشد!

ما باید توجه کنیم که تمام لذتهای واقعی فقط منشا و منبع خدایی دارند. تمام آرامش ها از طرف خداست. قلب ما فقط با یاد خدا آرامش پیدا می کند.

الا بذکر الله تطمئن القلوب

خدا دستور می دهد که باید از نمازهای پنج گانه محافظت کنید. نمازهای پنج گانه ما را از کانال آلفا خارج می سازند ،یعنی نماز ما نباید در آلفا اجرا شود. همین نکته مهمترین عامل برضد وسوسه های شیطان است و تمام راز دین آسمانی خدا در همین نکته نهفته است. یعنی ما باید مرتب خدا را یاد کنیم و خود را از کانال های آلفای کمین گرفته توسط اجنه و شیاطین (جن و انس) محافظت کنیم.

[۲۳:۹] والذین هم علی صلوتهم یحافظون

[۲۳:۹] آنها مرتبا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا می آورند.

خدای مهربان در آیه ۲۵۷ سوره بقره یک نور به کار می برد ولی ظلمات (تاریکی- بیراهه) را جمع به کار می برد. زیرا خدا یکی است ولی تاریکی زیاد است و کانال های متفاوتی دارد و اگر یکی در ظلمات گم شود، فقط خدا می تواند او را ازآن ظلمات خارج نماید و نجات دهد. اما اگر بشر، غیراز خدا ،

فرد دیگری را به عنوان ولی اتخاذ کند، شیطان او را به سوی گمراهی می کشاند.

[۲:۲۵۷] خدا مولای کسانی است که ایمان دارند؛ او آنها را از تاریکی ها به روشنایی راهنمایی می کند. و اما کسانی که ایمان ندارند، معبودانشان مولای آنها هستند که آنها را از روشنایی به تاریکی ها رهبری می کنند- اینان ساکنان دوزخ خواهند بود؛ آنها تا ابد درآن می مانند.

۶۰) جنگهای مهم تاریخ

نود و نه درصد جنگهای تاریخ از طرف کسانی آغاز شده است که در کانال آلفا به سر می برده اند. ترس های الکی از دشمن، تصورات وتوهمات در مورد دشمن سازی، زیاده روی در پیش بینی ها و جبهه سازی ها باعث بیشتر جنگهای تاریخ بوده است. کسانی که در آلفایند، دست خودشان نیست و دچار چنین زیاده رویهایی خواهند شد.

جرقه جنگ جهانی که هیتلر ایجاد کرد، فقط از توهمات و تصورات سرچشمه می گرفت. همین امروز تاریخ ثابت کرده است که هیتلر به مواد مخدر معتاد بوده است و قبل از سخنرانی های مهم ازآن استفاده می کرده است. زیرا مواد مخدر او را به کانال آلفا و توهم می برد و تنها به این طریق می توانست کشتن میلیونها انسان و آواره کردن مردم چندین کشور را توجیه کند!

(۶۱) بوداییهای میانمار

افرادی می گویند که در طول زندگی آزارشان حتی به مورچه هم نرسیده است؛ ولی همین افراد اگر در کانال آلفا قرار بگیرند ، ممکن است کارهایی انجام دهند که باور انجام آن برای شما مشکل باشد. جنبش ۹۶۹ که ویراتو در میانمار به راه انداخت، با حمایت ارتش و دولت میانمار همراه شد. این جنبش در واقع همان برنامه بودایی‌ها برای مبارزه با گسترش اسلام در میانمار

است. این گروه جنایات وحشتناکی علیه مسلمانان انجام داده است. بطوریکه مسلمانان حتی زنان و کودکان براحتی توسط بوداییها قتل عام و سلاخی میشوند. بودایی آرام ترین مذهب و صلح پذیرترین مذهب جهان بود. اما حتی تفکرات آرام هم میتواند زمانی به خطرناکترین حالت برسد، کافیست شیطان در پیروان آن رسوخ کند و آنان را به آلفا ببرد. بودایی ها در آرام و صلح پذیر بودن، زمانی الگو بودند. اما شیطان با حربه ترس (ترس از دست

دادن تمدن، از دست دادن کشور، ترس از دست دادن امنیت و ...)، آنان را در آلفا قرار داد و هم اکنون آنان براحتی مسلمانان را قتل عام می کنند. هر جنایتی در آلفا قابل توجیه است.

اسلامی که پایه و اساسش صلح و تسلیم است؛ بوسیله گروههایی از مسلمانان مثل داعش و امثالهم به خشونت کشیده شد. در اینجا باید پی برد که تعالیم پیامبران توسط شیاطین در آلفا تغییر می یابد و این تغییر یافته ها بازیچه عده ای خدانشناس میشود جهت بدنام

کردن دین خدا. دین خدا ، دین صلح و تسلیم است ولی پیروان آن دین، اگر در آلفا قرار گیرند، باعث بدنامی آن دین و تغییر ماهیت آن میشوند.

---

۶۲) بازی نهنگ آبی

بازی نهنگ آبی یک بازی اینترنتی است. این بازی متشکل از یک سری از وظایف واگذار شده به بازیکنان توسط مدیران در طول ۵۰ روز است که با چالش نهایی بازیکن به سمت ارتکاب

به خودکشی سوق داده میشود. اصطلاح «نهنگ آبی» از پدیده ساحل نهنگ می‌آید که مربوط به خودکشی است.

در این چالش اینترنتی ۵۰ مرحله‌ای از مخاطبان عمدتاً نوجوانان خواسته می‌شود روزانه تکلیف خود را انجام داده و در پایان، عکسی از خود را بفرستند تا بتوانند وارد مرحله بعد شوند. مرحله نخست این چالش کشیدن یک نهنگ آبی روی دست است و پس از آن برای مثال از کاربر خواسته می‌شود، تا لب خود را ببرد، روی دست خود با چاقو

کلمه‌ای را حک کند و یا بالای یک ساختمان مرتفع با پاهای آویزان از خود عکس بیاندازد. نهنگ آبی در سال ۲۰۱۳ در روسیه و با "F57" یکی از نام‌های به اصطلاح "گروه مرگ" شبکه اجتماعی وی کی شروع به کار کرد، و گفته می‌شود اولین خودکشی ناشی از آن در سال ۲۰۱۵ اتفاق افتاده است. فیلیپ بودکین دانشجوی سابق روانشناسی کسی که از دانشگاهش اخراج شد ادعا کرد که او بازی را اختراع کرده. بودکین اعلام کرد که

هدف او این بود که برای «پاک کردن» جامعه با فشار به کسانی که تلقی می‌شود هیچ ارزشی ندارند آنها را وادار به خودکشی کند.

طراح بازی فوق فیلیپ بودکین چند روز پیش از بازداشت، در دفاع از خود گفته بود: می‌خواستم جامعه را از آشغال‌های بیولوژیک (زیستی) پاک کنم. من فقط به چند نفر توضیح دادم که بهتر است بمیرند. خودشان تصمیم گرفتند و هیچکس آن‌ها را مجبور نکرده بود.

مثال این فریب دقیقا مثل **فریب شیطان** است. شیطان مرحله به مرحله فریب می دهد تا که نهایتا فرد قربانی را به جایی می رساند که کنترلش دست خودش نیست و در نتیجه شیطان اون فرد را وادار به قتل و خودکشی و هر آنچه که بخواهد می کند. کسانی که مرتکب کارهای خلاف میشوند ، قبلا توسط اجنه مراحلی را طی کرده اند تا که به مرحله ارتکاب جرم رسیده اند. شیطان مرحله به مرحله آدمیان را کنترل می کند. به همین خاطر خدا می

فرماید که از خطوات و پله های شیطان پیروی نکنید.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ ۚ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢١)

[۲۴:۲۱] ای کسانی که ایمان آورده اید، از **گام های شیطان** پیروی نکنید. هرکس از گام های شیطان پیروی کند، باید بداند که او به گناه و پلیدی دعوت

می کند. اگر موهبت خدا و رحمت او بر شما نبود، هیچ یک از شما خالص نمی شد. ولی خدا هر که را بخواهد، خالص می گرداند. خداست شنوا، دانا.

---

۶۳) راه نجات

برای نجات از دست شیاطین باید ریاضت نفس هم کشید. کسی که وسوسه می شود که دوباره به آلفا برگردد، باید فورا موقعیت ذهن خویش را تغییر داده و به خدا پناه ببرد. تنها راه

نجات از دست شیاطین، پناه بردن به خداست. انسانها در حالت آلفا زود بیمار می شوند، زیرا بدن ما برای زندگی در دنیای واقعی آفریده شده است و با فضای آلفا سازگار نیست . افرادی که در آلفا بسر می برند، بعد از مدتی هورمونهای بدن آنان تغییر ماهیت می دهد و در نتیجه مریضشان می کند.

افرادی بوده اند که دچار بیماریهای خطرناک شده اند، اما بعد از امید به خدا و برگشت از آلفایی که برای خود ایجاد کرده بوده اند، بهبود یافته اند. زیرا در

حالت آلفا سلولهای بدن با ذهن همسو نیستند، در نتیجه بهبودی بیمار در نوع مواد شیمیایی تزریق شده به بیمار محدود می شود. در حالی که فاکتور اصلی بهبود از بیماریهای جسمی ، همراهی روح و روان است.

انسان یک قلب دارد و نمی تواند همزمان در دو کانال متفاوت ، دو معیار متفاوت را بکار ببرد. چنین کاری نفاق را در روح آدمی ایجاد می کند و همچنین دو سویگی را در سلولهای بدن

او ایجاد می کند و در نتیجه فرد را به بیماری مبتلا می کند.

باید توجه کرد که شیطان دشمن آدمی است و هیچ وقت خیر خواه ما نیست. هدف شیطان از بردن انسان به حالت آلفا، از بین بردن اوست.

برای خروج از آلفا باید چندین صفات بد و شیطانی را از خود دور کرد. صفاتی مثل تکبر،غرور،غیبت،تهمت، دروغ،حرص و طمع،ریا،کینه،....از طرف شیاطین اند.

برای رهایی از این صفات بد، باید به اعمال خلاف این صفات رذیله روی آورد. مثلا جهت دوری از تکبر، افتاده بودن و برای جلوگیری از کینه ، بخشش و گذشت را دنبال کند و الی آخر...

اعمال صالح انرژی هایی در وجود آدمی ایجاد می کنند که باعث بی اهمیت شدن کانال های آلفا برای فرد می شوند. در واقع ایمان بدون عمل صالح بی معناست. به همین خاطر خدای مهربان

در قرآن هر جا از ایمان حرف می زند، به دنبال آن عمل صالح هم بکار می برد.

---

۶۴) ایمان و عمل صالح باید با هم باشند

ایمان و عمل صالح دو جزء تفکیک ناپذیرند. یعنی اگر فرد به چیزی ایمان دارد ، باید به آن عمل بکند تا روی نفس او تاثیرگذار باشد. صرفا حرف های خوب زدن و مطالعه کافی نیست، بلکه باید عمل کرد.

شما یک فیلم سینمایی نگاه می کنید و از کمک به فقرا درآن فیلم خوشتان می آید و آنرا تحسین می کنید؛ اما این کافی نیست بلکه باید خودتان در زندگی واقعی خویش به آن عمل کنید تا در شما تاثیر گذار باشد و باعث ارتقای نفس شما شود. کسانی هستند که در مطالعات عرفانی غرق شده اند اما هیچ عملی از خود نشان نمی دهند. این افراد فقط از جملات قصار ذهنی لذت می برند و به آن عمل نمی کنند. در نتیجه مطالعه آنان تاثیری در ارتقای

نفسشان ندارد؛ حتی بعد از مدتی به ناامیدی می رسند و دست از دین بر می دارند و دنبال چیزهای دیگر می روند.

---

۶۵) مداحان و دراویش

آدمی نمی تواند افکار نادرست را برای خود توجیه کند مگر وارد کانال آلفا شده باشد. به همین مناسبت بعضی فرقه های مذهبی جهت توجیه مقلدین خود، آنان را در جلسات خصوصی

شرکت می دهند و جو خاصی را درآن جلسات حاکم می کنند و با این کار آنان را وارد آلفا می کنند و به این طریق خود را در اختیار اجنه و شیاطین قرار می دهند. اجنه و شیاطین فقط در کانال های آلفا می توانند بر آدمیان مسلط شوند. این بزرگترین و تنها حربه و وسیله شیاطین است. یعنی شیاطین و اجنه ابتدا سعی در ورود افراد به کانال های آلفا می کنند، بعد ازآن می توانند افراد را کنترل کنند.

علم مغناطیس وسیله اصلی اجنه در انجام کارهای دراویش و مرتاضان و بوداییها است. انسان از ماده و اجنه از آتش (ضد ماده) تشکیل شده است. ضد ماده تاثیرات خاصی بر ماده دارد، که منجر به عدم خونریزی بدن با عبور سیخ درآن می شود. توهم، احساسات، گریه، خنده نوعی فرآیند مغناطیسی است که در ذهن انجام می گیرد. حتی دانشمندان علم روان جدیدا با تحریک بعضی از نقاط مغز، فرد را وادار به خنده و گریه و خواب می کنند. تمام حربه

های شیطان در همین نکته نهفته است. شاید درویش با استفاده از موسیقی و رقص و نوحه، ناخودآگاه مشغول ایجاد میدان مغناطیسی هستند تا که خود را در اختیار اجنه (بدون اینکه خود بدانند) قرار دهند و از آنجا به بعد اجنه می دانند چکار کنند.

خدا در قرآن می فرماید که : مردانی از انسان ها در کارهای خویش از مردانی از جن کمک می طلبند.

[۷۲:۶] 'انسان ها از طریق جن ها قدرت می جستند، ولی آنها اینان را به مصیبت بیشتری دچار کردند.

دراویش و رمالها و دعانویس ها و امثالهم دقیقا مصداق کامل این آیه هستند. متاسفانه بعضی افراد از این طریق در جستجوی قدرتهایی هستند که در ظاهر فریبنده هستند ولی در زندگی آدمی به هیچ دردی نمی خورند و کاملا مضر هستند و افراد با باور این نمایشات شیطانی ، فقط خود را در کانال آلفا قرار می دهند و تحت کنترل اجنه و

شیاطین قرار می گیرند. به همین خاطر افرادی که دعانویس هستند، بعداز مدتی گندکاریها و شهوت پرستیهای آنان مشخص می شود و رسوا می شوند. اگر اصول انسانی اسلام را بلد باشی ،تا خود را به کانال آلفا نبری، نمی توانی به چنین کارهای مسخره ای کرامت بگویی.

وضوء و نماز مغناطیس ایجاد شده در طول روز را خنثی می کنند و کنترل افراد را از دست اجنه خارج می کند. گاهی جابجا شدن از یک مکانی به مکان

دیگر باعث خنثی شدن میدان مغناطیسی ایجاد شده جهت بدام انداختن ذهن ما، میشود.

گاهی اجنه در شکل پیامبران و صالحین مرده برای افراد ظاهر می شوند و افراد به آلفا رفته ، فکر می کنند که دارند با آنان دیدار می کنند و باعث گمراهی میلیونها نفر می شوند.

---

۶۶) شب نشینی های طولانی

ترویج ایده های خیانت و خشونت در فیلم ها ،یک نوع سحر و جادوی شیاطین است که به زبان انسانها ترجمه شده است. برای جلوگیری از چنین تاثیراتی باید به روشهای خدا در قرآن عمل نمود. هربار که شیطان شما را وسوسه کرد ،باید آن فکر را ترک کنید و به یک کار دیگر مشغول شوید و از دست شیطان به خدا پناه ببرید.

خدا می فرماید که شب برای آرامش است؛ اما بیشتر مردم شب ها تا نیمه های شب مشغول نگاه کردن به فیلم

های ماهواره ای هستند و بسیار جدی تحت تاثیر مطالب آن قرار می گیرند و از همین جاها کانال های آلفا پدید می آید.

شبها برای آرامش و خوابیدن بوجود آمده است. خنده ها و گریه های الکی و غیرقابل کنترل در شب نشینی های طولانی حکمفرما می باشد. بطوریکه در ورود به کانال آلفا بسیار تاثیر گذار است. ما باید بدانیم و بعد از مدتی تشخیص دهیم که شیطان در چه فضاها

و در چه مکانهایی ما را بیشتر فریب میدهد.

---

۶۷) دوری از شیاطین

جهت دوری از کانال آلفا ابتدا ببینید که آخرین گناهی که انجام دادید ،در کجا بوده و با چه کسانی بوده و دلیلش چه بوده؟ در این صورت نقطه ضعف خود را در مقابل شیطان یافته اید و ازآن جا به بعد مواظب آن نقطه ضعف ها باشید.

شیطان دشمن ماست و ما هم باید دشمن او باشیم. این دستور خداست که دشمنی با شیطان باید دوطرفه باشد. یعنی باید براساس تجربه و عقل خویش ، که در چه نقاطی فریب شیطان را می خوریم و دچار گناه می شویم. درآنصورت ما باید همیشه آماده باشیم.

۶۸) چه چیزهایی انسان را به حالت آلفا می برد

غرق شدن در توهمات، باور نمودن توهمات و ترسها، باور نمودن زیتنهای دنیایی، مصرف مسکرات و مخمرات و مواد مخدر و ... انسان را بطور مستقیم بحالت آلفا میبرد و در آنحالت فرد منطق و آموزه های دینی خویش را بکار نمی برد و دچار انواع گناهان میشود.

اکثر کسانی که قتل و جنایات وحشتناک انجام میدهند، اقرار می کنند که در حین انجام جنایت و گناه، کنترل خویش را در دست نداشته اند و عواقب انجام گناه برایشان اصلا مهم نبوده است.

---

۶۹) نماز و وضو

وضوگرفتن قبل از اقامه نماز ، انسان را از حالت آلفا بیدار می کند و به اصطلاح خودمانی ، افکار و احساسات آن فضا از سرش می پرد. زیرا شستشوی اعضاء

وضو یک عمل فیزیکی است و به همین خاطر به نوعی، قطع فضای آلفاست و به همین خاطر خدای مهربان می فرماید که قبل از اقامه نماز ، وضو بگیرید. خدا در مورد لفظ نماز از کلمه اقامه استفاده میکند (اقیموا الصلوه) و عبارت خواندن را برای نماز به کار نمی برد. زیرا نماز باید یک عمل فیزیکی باشد و باید اقامه شود نه فقط خواندن صرف. زیرا نماز انسان را به دنیای واقعی می آورد و او را از فضاهای آلفا و آلفا مانندها در می آورد. کسانی که در فضای آلفا بسر می

برند و بدون قطع ارتباط با آن فضا، اقدام به خواندن نماز می کنند، نمازشان روی هواست و تاثیر گذار نیست. تماس با خدا باید عملی و آگاهانه باشد نه در حالت خلسه و توهم. عده ای از مردم امروزی نماز بجا نمی آورند و می گویند که نماز یک عمل فکری است و ما در فکر خویش نماز می خوانیم و نیازی به سجده و قیام نیست! این افراد می خواهند در همان حالت آلفا بسر برند و نمی خواهند بیرون بیایند و وارد دنیای

واقعی شوند و احتمال انحراف این افراد بسیار بیشتر است.

---

۷۰) حقه جادوگران

جادوگران در زمانهای قدیم ابتدا بوسیله اشعار و توهمات و القاء ترس و وعده و وعید به مشتریان خویش، آنان را وارد حالت آلفای خود می کردند و در آن فضا فرد را برده خود می کردند. زیرا انسان فقط در حالت آلفا در تیررس مستقیم شیاطین قرار دارد. خدا

خودش می فرماید که شیطان بر افرادی تسلط دارد که گمراه باشند (یَتَّبِعُهُمُ الغاونَ).

سوره شعراء آیه ۲۲۱ : هَل أُنَبِّئُکُم عَلی مَن تَنَزَّلُ الشَّیطینُ

ترجمه: آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسانی فرستاده می شوند؟

آیه ۲۲۲: تَنَزَّلُ عَلی کُلِّ أَفّاکٍ أثیمٍ

ترجمه: آنها بر هر گناهکار دروغ پردازی نازل می شوند.

آیه ۲۲۳: يُلقونَ السَّمعَ وَأَكثَرُهُم كٰذِبونَ

ترجمه: آنها وانمود می کنند که گوش فرا می دهند، ولی بیشتر آنها دروغگو هستند.

آیه ۲۲۴: وَالشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوونَ

و اما شاعران، فقط گمراهان از آنها پیروی می کنند.

در آیه ۲۲۴ خدای مهربان افرادی را گمراه (الغاون در عربی) اعلام نموده است که از شعراء (کسانی که احساسات دیگران را تحت تاثیر قرار می دهند)

تبعیت می کنند. شعر در عربی فقط به معنای دو بیتی و غزل نیست ، بلکه به معنای هر آنچه که انسان را وارد احساسات و توهم و در نتیجه حالت آلفا کند هست. در آیه دیگری خدا می فرماید شیطان بر بندگان من تسلطی ندارد مگر گمراهان (الغاوین)

سوره حجر آیه ۴۲: إِنَّ عِبادی لَیسَ لَکَ عَلَیهِم سُلطانٌ إِلّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الغاوینَ

ترجمه: "تو بر بندگان من هیچ قدرتی نداری. قدرت تو محدود به گمراهانی است که از تو پیروی می کنند.

با توجه به دو آیه،

سوره شعراء آیه ۲۲۴: وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوونَ

سوره حجر آیه ۴۲: إِنَّ عِبادی لَیسَ لَکَ عَلَیهِم سُلطانٌ إِلّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الغاوینَ

انسانهای در حالت آلفا (الغاوین) مستقیم در تیررس شیاطین هستند.

پس براحتی میتوان نتیجه گرفت که شیطان در حالت آلفا افراد را در اختیار خویش می گیرد و دستورات خود را به آنان دیکته می کند. دانستن این نکته جهت مبارزه با حربه های شیطان بسیار مهم است. بسته به شدت فضای آلفا، فرد منطق و استدلال خویش را از دست میدهد ؛ مثلا کسی که میداند دزدی و غیبت و تهمت بد است، در فضای آلفا براحتی قابل توجیه است. در فضای آلفا قوانین هوای نفس حاکم است زیرا محل جولان شیاطین است. افرادی که

پیش دعانویسها و رمالان می روند، به نوعی به این افراد روی آورده اند و به کسی غیر از خدا برای حل مشکلات خویش پناه می برند. فرد دعانویس با چرب زبانی و وعده و وعیدهای کلی فرد را جذب خود می کند و یواش یواش فرد بیچاره وارد کانال آلفای دعانویس میشود و از همانجا به بعد برده ذهنی دعانویس میشوند. به همین خاطر این افراد نه یکبار بلکه چندین بار دیگر هم به دعانویس مراجعه می کنند زیرا وابسته فکری دعانویس میشوند و

به کانال آلفا عادت کرده اند. دعانویس هم حرفهای کلی و دلخوش کن به فرد ارائه می دهد (آنچه که فرد مراجعه کننده دلش می خواهد باشد).

---

۷۱) لذات جنسی

غرق شدن در لذات جنسی براثر سریالهای تلویزیونی و ماهواره ای و تصاویر اینترنتی و فضای مجازی، کانالی از آلفا برای افراد ایجاد می کند که بعد از مدتی به آن عادت می کنند و بعد از

مدتی برای لذت بردن از زندگی مشترک، باید ابتدا خود را به آن کانال برگردانند تا بتوانند دوباره لذت ببرند. اگر شریک زندگی آن فرد، در آن کانال آلفا نباشد، مشکلات زیادی برایشان پیش می آید و به همین خاطر بعد از مدتی با شریک زندگی خویش تضاد پیدا می کنند و کارشان به عدم تفاهم می کشد. تعداد و تعدد کانالهای آلفا به اندازه تعداد شیاطین است و هیچوقت دو فرد در فضای آلفا به اتحاد نمی رسند. لذات موجود در فضای آلفا

بسیار محدود و بی ارزش است. فرد با این کار خود را از آن همه نعمتهای خدادادی محروم میکند. افرادی که در کانال آلفا به سر می برند و غرق در آن میشوند؛ در همان لذت ممنوعه غرق میشوند و تمام زندگی خود را وقف آن میکنند. وقتی که یک فرد در لذات جنسی غرق شده است، در برخورد با محیط خویش ، چشم چران است و چشمانش در مقابل حوادث دیگر کور است. تعداد فضای آلفا بسیار زیاد است و همین تعدد باعث شده است که افراد

گناهکار و غرق در توهمات هیچوقت یکدیگر را درک نمی کنند ، بجز در برخورد با اقلیتهای همچون خود. اما افراد باایمان در فضای خدا قرار دارند و در راه مستقیم خدا قرار دارند و همدیگر را درک می کنند و در خواب و خیالات و توهمات به سر نمی برند. گاهی توهمات یک کشور و ملت را به نابودی می کشاند. هیتلر با ایجاد توهم و حرفهای احساساتی آن همه را فریب داد و میلیونها را به کشتن داد.

---

۷۲) قوم لوط

هر غریزه ای که خدا آفریده است، یک هدف در آن است که باید براساس آن استفاده شود. خدای متعال غریزه جنسی را جهت حفظ بقاء و تولید نسل در موجودات گذاشته است. اما متاسفانه بعضی مکاتب در طول تاریخ و هم اکنون چنین اهدافی را زیر پا گذاشته اند. شیطان قوم لوط را در یک کانال آلفای خاص اسیر کرده بود. قوم لوط مثال مناسبی جهت کانال آلفاست. این

قوم در کانال آلفا نیازهای خود را تغییر داده بودند. آنان ماهیت نیاز جنسی خویش را تغییر داده بودند. به همین خاطر کسانی که در آلفا فرو روند، بعد از مدتی حتی هورمونهای بدن آنان تغییر ماهیت می دهد. همانطور که قبلا عرض شد، قوانین و گزاره های آلفایی با واقعیت یکی نیست. عملی که در واقعیت زشت و ناپسند است، برای افراد داخل کانال آلفا، زشت نیست. منطق آلفایی هرچیزی را توجیه می کند.

خدای مهربان صراحتا از کلمه سکرت برای قوم لوط استفاده می کند.

سوره حجر آیه ۷۲: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۷۲﴾

ترجمه: به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند.

سکر در عربی بمعنای هر آنچیزی است که عقل را بپوشاند. این دقیقا یعنی همان آلفا. یعنی قوم لوط در آلفایی که برای خود ساخته بودند، سرگردان

بودند و طبق آن عمل می کردند. در ادامه خدا می فرماید که :

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾

ترجمه: پس به هنگام طلوع آفتاب فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت.

قوم لوط به تفکرات آلفایی خویش عمل کردند و دچار عمل زشت لواط شدند و بهمین خاطر خدا عذاب را بر آنان نازل فرمود. این نشان می دهد که در صورتی که یک قوم خاصی تفکرات آلفایی را در دنیای واقعی اجرا کنند ، خدای متعال

بعد از مدتی عذاب را بر آن قوم نازل می کند. خدای مهربان آنقدر رحمش فراوان است که صرفا بخاطر ذهن و تفکرات کسی را در این دنیا عذاب نمی کند. بلکه فقط وقتی عذاب نازل می کند که آن تفکرات به مرحله عمل رسیده باشند.

---

۷۳) ما تا این حد اشتباه می کنیم!

فرض کنید که فردی به شما پیشنهاد دیدن فیلمی را میدهد. این فیلم طبق خواسته و میل شما تهیه میشود. اما آن فرد در عوض نمایش فیلم، تمام زندگی شما را می گیرد. آیا یک فیلم یک ساعته ارزش از دست دادن تمام زندگی را دارد؟ فردی که چنین پیشنهادی را به شما می دهد، شیطان است. شیطان در عوض نمایش چند توهم و خوشی ناچیز، زندگی جاودان در بهشت را از شما می گیرد.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا
لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا
يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾

[30:55] در آن روز هنگامی که آن ساعت فرا رسد، مجرمان قسم خواهند خورد که (در این دنیا) فقط یک ساعت بودند. آنها تا این حد اشتباه می کردند.

---

۷۴) خدا باید بهترین خاطره شما باشد.

خدا را آنقدر زیاد یاد کنید که یک خاطره خوب برای شما باشد. بعضی از مردم وقتی پدران و رسم و رسومات گذشته خویش را یاد می کنند، به نیکی و حسرت از آن یاد می کنند. مثلا می گویند که پدران ما چقدر خوب بوده اند. می گویند که تمدن ما در گذشته چقدر پیشرفته بوده است! آنان از گذشتگان و قبیله و قوم گذشته خویش تقدیر و تمجید می کنند. اما همین مردم هیچوقت به این اندازه از خدا به نیکی یاد نمی کنند. بعضی از مردم وقتی از

خدا یاد می کنند که زلزله و یا اتفاق بدی برای آنها پیش آید. البته در این حالت اتفاق بد را به خدا نسبت می دهند! ای کاش مردم خدا را هم به اندازه پدران و تمدن گذشته خویش تقدیر و تمجید می کردند. خدا را بیشتر از هر کسی دوست داشته باشید، حتی از خودت و پدر و مادر و همسر و فرزند خویش. همیشه در ذهن خویش خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خویش بدانید.

---

۷۵) در خلقت خدا دستکاری نکنید

گفتن واقعیتها بهتر از هر چیزی آموزنده تر است. در خلقت خدا دستکاری نکنید. بعضی از مردم بدون هیچگونه دلیل پزشکی قسمتهایی از بدن خویش را عمل جراحی انجام می دهند تا که زیباتر شوند. این جور نیازهای کاذب در آلفا بوجود میاید. این یکی از حیله های شیطان است. کسی که خدا را فراموش کند و در آلفا فرورفته

باشد، معیارهای او در زندگی واقعی تغییر می یابد، به هر دری می زند تا که موقعیت از دست رفته خویش را بازیابد .

[4:119] من آنان را گمراه خواهم کرد. من آنان را به دام خواهم انداخت. من به آنان فرمان خواهم داد که (برای حرام کردن بعضی از گوشت ها) گوش چارپایان را علامت نهند و به آنان فرمان خواهم داد که خلقت خدا را تحریف کنند." هرکس به جای خدا،

شیطان را به مولایی قبول کند، زیانی آشکار متحمل شده است.

---

۷۶) زندگی سخت نتیجه در آلفا رفتن و عدم انجام عمل صالح است

در کشور آلمان در جنگ جهانی دوم شرایط اقتصادی سختی پیش آمده بود.

مردم که وارد یک رستوران می شدند و غذا سفارش می دادند، فورا پول غذای سفارشی را می دادند ، زیرا می ترسیدند که تا پایان خوردن غذا قیمت آن گران شود. چنین شرایط سختی برای مردم آن دوره پیش آمده بود. عدم ثبات قیمتها ، گرانی لحظه به لحظه زندگی را بر مردم سخت کرده بود . چنین شرایطی در حال حاضر در خیلی از کشورهای دنیا وجود دارد. هر کسی خدا را فراموش کند و از یاد خدا سرباز زند ، خدا شرایط سختی را برای او

فراهم می آورد. مردم آلمان در **توهم و آلفای** نژادپرستی به سر می بردند. خدا را از یاد برده بودند، در نتیجه خدا شرایط سختی را برای آنها فراهم آورد .

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿۱۲۴﴾

ترجمه: و اما کسی که پیام مرا نادیده بگیرد، زندگی فلاکت باری خواهد

داشت و روز رستاخیز، او را نابینا برمی انگیزیم".

۷۷) اعتراف به گناه

اعتراف به گناه پیش نیاز توبه است. کسی که آنقدر مغرور باشد که نتواند اشتباهات و گناهان خویش را اعتراف کند ، نمیتواند توبه کند. انسان نباید از نفس خویش دفاع کند. بلکه باید نفس خویش را بکشد. اعتراف یک گناهکار را در قرآن بشنوید.

[12:53] من ادعا نمی کنم که بی گناه هستم. نفس به بدی گرایش دارد، مگر کسانی که از رحمت پروردگارم برخوردار شده ا ند. پروردگار من عفوکننده است، مهربان ترین.

هیچ انسانی نباید ادعای بی گناهی و پاکی کند. فقط خدا پاک و نیکو است. حتی پیامبران هم گناه انجام داده اند. نفس اماره ارزش دفاع را ندارد. اعتراف همراه توبه چیزی است که مورد پسند

خداست. خدا رحمان و رحیم است و در هر زمانی توبه بندگانش را قبول می کند . ایوب از رنج و سختی و بیماری نجات نیافت ، اما وقتی اعتراف به گناه کرد، نجات یافت.

[۳۸:۴۱] به یاد آور بنده ما ایوب را. او پروردگارش را صدا کرد: "شیطان مرا به درد و رنج دچار کرده است."

یونس در شکم ماهی به گناهش اعتراف کرد و در نتیجه نجات یافت.

[۲۱:۸۷] و ذوالنون ماموریت خود را با اعتراض رها کرد و فکر می کرد ما نمی توانیم او را کنترل کنیم. او سرانجام در ظلمات (شکم ماهی بزرگی) شروع به التماس کرد: "غیر از تو خدایی نیست. تجلیل تو را. من مرتکب گناهی بزرگ شده ام."

---

۷۸) مشروبات الکلی

کسانی که مشروب می نوشند ، برای خوش مزه بودن آن نمی نوشند بلکه

برای بیخیال کردن خود استفاده می کنند. در حالی که مواد سکر آور به هیچ عنوان آرامش فکر را نمی آورد. کسانی که الکل مصرف می کنند ، فقط فکر می کنند که مشکلاتشان حل شده است . اگر مشکلاتشان حل شده بود ، دوباره مصرف نمی کردند. افراد مشروبی، مشروب الکلی مصرف می کنند، زیرا در حرف خویش مانده اند. خودشان به دروغ باور کرده اند که مشروب آرامش آور است. آنان یک دروغ بزرگ را در خود پرورش میدهند. بعضی از مردم

می گویند که الکل برای درمان روحی مفید است. روح یک چیز نادیدنی است. درمان یک چیز نادیدنی باید خود یک چیز نادیدنی باشد. درمان مشکل روحی باید روحی باشد. در کل قواعد دنیای آلفایی براساس دروغ بنا شده است و غیر واقعی است.

---

۷۹) دشمنی با شیطان دو طرفه است

دشمنی با شیطان دو طرفه است. شیطان دشمن ماست. ما هم باید دشمن او باشیم. اگر فقط به این اکتفا کنیم که شیطان دشمن ماست ، در نبرد موفق نخواهیم شد. بلکه باید ما هم دشمن او باشیم. دشمنی دو طرفه است. ما وقتی از خانه بیرون می رویم ، در خانه را قفل می کنیم تا دزد خانه را نزند. باید تمهیداتی در مقابله با شیطان انجام دهیم. باید خود و محیط خود را برای مقابله با شیطان آماده کنیم. ما نباید خود را در معرض حمله شیطان قرار

دهیم. مثلا نباید در جلساتی شرکت کنیم که احتمال گمراهی وجود دارد. ما باید در انتخاب فیلمهایی که نگاه می کنیم ، دقت کنیم. ما باید در انتخاب دوستهای صمیمی خویش دقت کنیم. ما باید در نقطه ضعفهای خویش ، راه ورود شیطان را ببندیم. آخرین گناهی که مرتکب شدید را بررسی کنید و ببینید که چه عاملی باعث شد تا به طرف آن کشیده شدید. از این به بعد نسبت به آن عامل محتاط باشید و مواظب حمله شیطان باشید .

دشمنی دو طرفه

انسان <-------> شیطان

[35:6] شیطان دشمن شماست، پس مانند **یک دشمن** با او رفتار کنید. او فقط حزب خود را دعوت می کند تا از ساکنان دوزخ باشند.

---

۸۰) یک اشتباه بزرگ در مورد گناه

کسانی که مرتکب گناه میشوند فکر میکنند که دیگر خدا آنها را نمی پذیرد ، بنابراین به گناه خویش ادامه می دهند. این حیله خیلی بزرگ شیطان است. بسیاری از انسانها به وسیله این استدلال شیطانی به جرم خویش همچنان ادامه می دهند.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾

[39:53]اعلام کن: "ای بندگان من که از حد گذشته اید، هرگز از رحمت خدا نومید نشوید، زیرا خدا همه گناهان را می آمرزد. اوست عفوکننده، مهربان ترین".

پایان